

بن بست رژیم و "امید امام"

سرانجام پس از کشاکشهای بسیار روستیزه های دربرنده وی پی برده، مجلس خبرگان "ولایت فقیه آیت الله منتظری را به جانشینی خمینی برگزید، "خبرگان" ای که هر یک خود داعیه خلافت دارند و برای برگردن کیسه سرمایه داران و زمینداران غارتگر در یک آن هزار آیه وحی و روایت ردیف می کنند، با توصیه خمینی و در شرایط هراسناک آینده از گسترش مبارزات مردم توانستند چنین تصمیمی را اتخاذ کنند.

جانشینی خمینی در واقع یکی از عمده ترین مسایل مورد مناقشه جناح های رژیم ارتجاع و دستگاه روحانیت بوده و هست. این مناقشه با انتخاب منتظری نیز پایان نمی یابد. تلاش شدید خمینی برای تعیین جانشین خود، اساساً ناشی از نگرانی و بیم او نسبت به بقا رژیم منطبق جمهوری اسلامی بوده است. او به خیال خود کوشید تا با گزینش منتظری به ولیعهدی، به شیوه ای همانند آنچه در رژیمهای سلطنتی مرسوم است، برای "بقا" رژیم ولایت فقیه چاره اندیشی کند. او اکنون سخت نگران آن است که بساط ستایش برچیده شود و "بیت" خون آشامش طعمه خشم شعله ور خلق گردد. از این پروکوشیده است تا با انتخاب منتظری کسبه مطیع ترین و وفادارترین پیروان در صف "آبیات نظام" است، خیال خویش را آسوده سازد.

آیت الله منتظری نیز به نوبه خود، کوشیده است تا خصوصیات لازم برای جانشینی خمینی را کسب کند. قبل از هر چیز الگو برداری و تقلیدناشیانه وی از خمینی و اثبات مکرر متابعتش از ولی مرتجع یاری دهنده وی برای کسب این مقام بوده است. کنار گذاشتن حرف های نیکو درباره "مستضعفان" و حمایت بیش از پیش از طایفه غارتگر "مناقم مشروع" کلان سرمایه داران عامل دیگری در تقویت ایشان بوده است. با اینهمه آیت الله منتظری برای ایفای نقش خمینی نیاز به کسب خصوصیتی دارد، که کسب ناشدنی است. خمینی در طول دوده و در راستای مبارزه بسا شاه، همراهی با جنبش همگانی و توده ای و قرار گرفتن در اس این جنبش تا سرنگونی رژیم شاه

بقیه در صفحه ۲

شهادت فدائیان پرسابقه و ییکار جو، قهرمان خلق محمد امین شیرخانی، بیژن نوبوری، ابراهیم لطف اله زاده

طرفی نسبتند، و جز بونی و شکست نتیجه نگرفتند، رفیق بیژن نوبوری را چند ماه پیش زیر شکنجه شهید کردند و رفقا شیرخانی و لطف اله زاده را در اوایل مهرماه سال جاری تیرباران کردند. ایستادگی و استواری رفقا ادامه جانبا زانسه همه فدائیان خلق شهید بوده و سرمشق سترگ همه فدائیان خلق ایران است. بی تردید هزاران دست از عمای جامعه ما پرچم رزم آنان را در میدان نبرد خلق علیه رژیم بهره کشی و ستم افراشته و افراشته تر نگه می دارند.

با زهم خون فرزندانی دلبر خلق از جنگال شیطان جماران جا ری شد. با زهم شب پرستان به امید ابدی ساختن ظلمت پرتو آینه ز سه شمع فروزان را خاموش ساختند. سه فدایی رزمنده، یاران روزهای سخت نبرد زندگی، بدست دژخیمان جمهوری اسلامی شهید شدند. رفیق محمد امین شیرخانی، شخصیت برجسته و انقلابی بزرگ کرد و مسئول سازمان ایالتی کردستان، رفیق بیژن مجلد نوبوری و رفیق ابراهیم لطف اله زاده فدائیان دلیر و بیگنا را در کربلای زاهدت شکنجه توسط دژخیمان خمینی اعدام شدند.

دژخیمان رژیم جنایتکار، رفقا شیرخانی، نوبوری و لطف اله زاده را از چند سال پیش اسیر کرده و زیر شکنجه های شدید جسمی و روحی قرار دادند، بارها و بارها این فرزندان دلاور خلق را تا حد مرگ شکنجه کردند. سرانجام زمانی که از اینهمه وحشیگری

تصویب "قانون" نابودی مطبوعات

مجلس ارتجاع، پس از ۲۷ سال، "قانون مطبوعات" را تصویب گذراند و با ردیگر برنا بودی مطبوعات مهترانه بیدگذا رد، پیش از تصویب این سند رسوا، رژیم خمینی بدون نیاز به هیچگونه قانونی و تنها بنا بر "منطق" شلاق و شکنجه همه نشریات مترقی را بسته، و جز چند روزی نامه رسوا و مجیز گوی هیچ روزنامه ای را اجازه حیات نداد. "قانون" تماماً ارتجاعی اخیرتتها متوجه آن است که با تسویر و اختناق موجود در اقلیتت شده و کوچکترین روزنای را برای هر صدای مخالف سد کند.

"قانون" ارتجاعی در فضل تنظیم شده و هر فصل آن بندی است برپای مطبوعات. در این "قانون" تنها با زبان تهدید و رعب با مطبوعات سخن رفتند و دهها مورد جرم و تخلف وزندانهای رنگارنگ پیش بینی شده، تا جایی که خرابی

بقیه در صفحه ۲

پیام مشترك: ۲ در صفحه ۳
اعتراض علیه شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی را رسالت سازیم!

مبارزه برای تدوین و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل

تدوین و اجرای یک طرح مترقی برای ارزشیابی مشاغل، اکنون یکی از عمومی ترین خواسته های صنفی کارگران میهن ما است. مطالبه این حق صنفی و مبارزه بیگنانه برای تحقق آن، جسامت ویژه و مهمی را در اعتراضات و اعتصابات کارگری جاری بخود اختصاص داده است. هم اکنون در بسیاری از واحدهای تولیدی و خدماتی کشور، مساله انتخاب کمیته بررسی طبقه بندی مشاغل، شیوه اجرای طرح و همچنین فواید ناظر بر آن موضوع یک مساله از حادترین مبارزات صنفی است. اعتراضات و اعتصابات کارگری اخیر در کارخانجات ایران کف رشت، کمک فنر سازی و چندین واحد تولیدی و خدماتی جاده قدیم، جاده مخصوص کرج و شهر صنعتی البرز از جمله آخرین نمونه های مبارزه حول محور حقوق - الذکرا است.

خواست طبقه کارگر و سیاست سندیکا بی سازمان در این خصوص چیست؟ به عبارت دیگر، تدوین و اجرای یک طرح مترقی ارزشیابی مشاغل به چه معناست؟

بقیه در صفحه ۳

درباره تعقیب و مراقبت

- در این شماره:
- * چرا اعدا مشان کردند؟ در صفحه ۱۶
- * جهان رژیم تبهکار خمینی را محکوم میکند در صفحه ۱۶
- * توطئه "سمنار تهران" علیه معلمین در صفحه ۱۶
- * هجوم بزرگ مالکان به روستا در صفحه ۵
- * کاهش ذخایر ارزی در صفحه ۴
- * ارتشیان از جنگ بیزارند در صفحه ۱۵
- * آنچه در بلوچستان میگذرد در صفحه ۱۱
- * پیراهن سرخ تو ... در صفحه ۶

درین شکفتن و درخون نشستن

ای همسفر که قصه عشقت پایدار

در صفحه ۱۲

بیاد رفقا: غبرایی، تابان، نوبوری، بیتاجی و ...

اینان تبارشان از رنج بوده است از کار برده است. همواره هر چه راکه ز گیتی ستانده اند در عرصه نبرد بیه پیکار بوده است اینان خجسته پیکرشان از نخست روز بردار بوده است!

مادر بر آنکه پای به راهست دل مسوز در شعله اش مبین آخرنه او سمندر آتش نهاد ما است؟! خوش می رود سیکدل و آزاد چون نسیم او پیک پیشتا زو گل گرد بد ما است!

سپاوش کسرای
آبان ماه - ۱۳۶۴

فدایی

مادر!
گریان مشوبر آنکه سرافرازمی رود
اشک عبث مریز
برراه آنکه آتیه پرداز می رود!
بریا درفتش را می داند
هر گل که چتر می زندومی کند بهار
آری، درین شکفتن و درخون نشستن
ای همسفر که قصه عشقت پایدار!
اینست را زبلبل و آنست نقش گل.
اینست آنچه هست
برجا، درین سراچه سوزان بیاد دگار!

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شهادت فداییان قهرمان محمد امین شیرخانی، بیژن نویری، ابراهیم لطف اله زاده

مردم مبارز ایران! رفقا و همزمان!

با ابراز نعت عمیق از جنایات روزافزون رژیم ددمنش جمهوری اسلامی، شهادت قهرمانانه سه تن دیگر از فرزندان دلاور شما، کادرهای مسئول سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، رفقا محمد امین شیرخانی، بیژن نویری و ابراهیم لطف اله زاده را اعلام می داریم.

فداییان خلق، رفیق محمد امین شیرخانی، انقلابی برجسته کرد، مسئول سازمان ایالتی کردستان و عضو شاخص هیات نمایندگان خلق کردستان که با دولت مبرکیز در سال ۵۸ و ۵۹، بورنقا بیژن نویری و ابراهیم لطف اله زاده او پرسرا بخته ترین رزمندگان فدایی خلق بودند که همگی زبی سالها بیگانه را غنای داغ شکنجه و زندان را در روزهای رژیم خمینی برتن داشتند. رفقا نویری و لطف اله زاده مدت ۲ سال نیز در صفوف انقلابیون فلسطین علیه میهنفروشیهای اسرائیلی جنگیدند و افتخارات بزرگی کسب کردند.

خمینی جنایتکاران فداییان قهرمان را به جرم

بایبندی برآرمان انقلابی شان، به جرم دفساع تزلزل تا پذیرا طبقه کارگر و خلقهای ستمکشیده میهنمان و به جرم بیگانه رآشتی تا پذیرا ارتجاع و امپریالیسم، به شهادت رسانیده است.

لحظه لحظه زندگی انقلابی هریک از این فرزندان دلاور خلق سرتار از عشق به مردم و میهن خود و مشغول از مبارزه شجاعانه و فداکارانه برای رها یی میهن، به روزی مردم و پیروزی سوسیالیسم بوده است.

رژیم جنایت پیشه خمینی برای ادا به حکومت ننگین خود می گوشه تا به زور دستجات سرکوبگر خویش و اعمال خفقان و بیا زداشت و شکنجه و اعدام، فریساد اعتراض شده با جنبش انقلابی میهن ما را خفه سازد، اما مردمیکه جنگ و جنایت و چپاول سرمایه داران و زمینداران جانشان را به لب رسانیده است، فزاید اعتراض و شعله مبارزه شان دامنه هر دو وسیع تری می یابد.

رژیم خمینی هراسان شادها و ج گیری فعالیست انقلابی فداییان خلق است. فداییان خلق با فعالیت و شوکتارنه و حضورا انقلابی خود میسازان

توده ها، آنان را در مبارزه برای رهایی از چنگال

رژیم پلید جمهوری اسلامی هدایت می کنند. حکام جمهوری اسلامی که علیرغم تلاشهای بسیار، از درهم شکستن صفوف فداییان خلق عاجز مانده اند، اینک در این خیال ننگین که با جنایات کثیف از جمله اعدام انقلابیونی که از سالهای گذشته به اسارت و گروگان گرفته بود، قادر خواهد شد در سنگر استوار طبقه کارگر و همه توده های محروم و زحمتکش ایران، در رزم روبرو گسترش فداییان خلق ایران خللی وارد سازند، لیکن با بیداری و شهادت قهرمانانه و چون همیشه فدایی وارفداییان خلق، ستونهای مقاومت و مبارزه را در برابر رژیم خمینی استوار و ریشه ها از رزم رهایی بخش خلق ایران را فرروزان ترمی سازند.

جا و دان با دیا دهشیدان بخون خفته خلق ساترید افریاد خلق علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام پیروز یاد مبارزه خلق در راه سرگونی رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ۲۵ آذر ماه ۱۳۴۴

فکر نکنند، آزاد نیستند، تا چه برسد به نیروهای انقلابی مدافع زحمتکشان؛ اینهمه فرقه های مختلف که در اسلام هست، همه آنها انگاشتمان به قرآن است. احادیث و روایات هست، و لسی در عین حال در اینها عقاید انحرافی هم هست. فقهای ما گفتند، حفظ کتابها بیکی، مطلب انحرافی دارد... اینهم کتب ضلال و حفظ آن حرام است (جمهوری اسلامی - اول آبان)

در فصل پنجم که "شرایط متقاضی و مراحل صدور پروانه" بررسی شده، چنان قل و زنجیرهای بی تدارک شده که هیچ متقاضی، جز مشتی جیره خواران بارگاه خلافت، و اجرت و توان انتشار روزنامه ای نباشد. شوشتری نماینده مجلس حکومتی ما هیئت واقعی ساله را بیان کرد گفت: "شرایطی که در فصل پنجم برای متقاضی تشریح آمده به حق سنگین و کامل است" (اطلاعات ۲۹ مهر).

علیرغم همه این قید و بندها، بازم خیال اعمال ارتجاع نگران است، ملکوتی به "برادران همداری" دهکده: "مطبوعات با انتخاب خطوط ریز و درشت می توانند خطبدهند و خودشان می دانند که تا به حال موارد زیادی پیش آمده که از این طریق به یکی از "جریان"ها "لطمه" خورده است. (۲۹ مهر - اطلاعات) و در پی این هتاهد اهرات می عامل دیگر ارتجاع می گوید: "از محکم کاری این طرح مطبوعات نگران نباشید، نگران از مسائلی باشند که در جامعه اتفاق بیفتد و پیش بینی نشود" (اطلاعات - آبان).

واقعیت این است که رژیم از یک سو به وضع بحرانی خود آگاه است و می داند که حتی استبداد کوچک و بزرگی کلمات می تواند نده "او" لطمه وارد آورد و از سوی دیگر به نقش و رسالت مطبوعات در بیداری افکار عمومی نریزه خویش واقف است. از همین رو در قانون خود نیز همه تلاش خویش را بکار برده و همه پیش بینی "ها را کرده است تا مانع انعکاس هرگونه صدای مخالفی که به بیداری مردم کمک بکند، شود. از رژیم سرتاپا ارتجاعی که تنها بر پایه سرکوب و گشتار برآست، جز این انتظار دیگری را هم نمی توان داشت. اما ترییدی نیست که رژیم خمینی به همین قانون سیاه نیز همانند همه قانونهای دیگرش به اندازه ورق - باره ای بیشتر بها نخواهد داد. او جز شلاق و شکنجه بر هیچ قانونی متکی نیست. این قانون و سرنیزه مچریان آن می توانند برگردن روزنامه های قانونی نیز فرود آید و آنان را مورد کنترل و سانسور و فشار بیشتری قرار دهد، می تواند اختناق و سانسور را در جامعه بیشتر کند. ما نمی توانیم فداییان انقلابی و عطش روزافزون مردم برای دانستن و فهمیدن رابه بسندگشده، مردم از طریق مطبوعات مخفی - انقلابی، پخش شننامه و خبرنامه و از طریق صحبت های دهان به دهان، از حقیقت - به یعنی همگان چیزی که جمهوری اسلامی در مدسدانسوران است - آگاه خواهند شد و دیگران را نیز آگاه خواهند کرد. قانون مطبوعات جمهوری اسلامی تنها آینه ای است که ماهیت استبدادی، ارتجاعی و ضد آزادی رژیم جلاخ خمینی را بیش از پیش برملا ساخته و افشا می کند. آزادی مطبوعات تنها در یک رژیم متکسی بر مردم و منبعت از مردم قابل تحقق است.

تصویب "قانون" ...

یکی از اعمال خود رژیم در مجلس می گوید: "با جزئی ترین مساله که شما می توانید جلوی یک نشریه ای را بگیرید... (ج ۱ - مهر) ۲۹ مهر) در فصل دوم، سوم، چهارم، پنجم که "رسالت حقوق" محدود مطبوعات و شرایط متقاضی بررسی شده است، مواد متعددی در جهت سلب هرگونه آزادی مطبوعات وجود دارد. "رسالت مطبوعات" از نظر قانون دست یختار ارتجاع تماما به تعریف و تحدید از رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی وسیاست و ایدئولوژی و فرهنگ منطبق آن منحصر شده است.

بر طبق فصل سوم "حقوق مطبوعات" در جمهوری اسلامی عبارت است از: "حقوقی کامل، در ماده ۴ این فصل آمده است: "مطبوعات حق دارند نظرات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، پیشینها، دعا، توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند؛ منظور از موازین اسلامی و مصالح جامعه همانا متابعت کامل از استبداد حاکم دولتی مرتجع و کارگزاران وی است. بنا بر این شرط مذکور که مفسران هم خود ارتجاع است مثل شمیرتیزی بر گلولی آزادی مطبوعات کشیده می شود. در تشریح این شرط به ماده گفته می شود: "انتقاد از نهادهای مشروع دارا بودن منطبق و استدلال و پرهیز از توهین، تحقیر، و تخریب می باشد. (ج ۱ - اول آبان). دامنه آزادی مطبوعات در رژیم جمهوری آزادی حتی در ورق پاره های قانونی و برای روزنامه های مجبور، چنان تنگ و حقیر است که نماینده دولت مجبور است بپرسد: "اگر مطبوعات نقدی بکنند، تخریب محسوب می شود یا نه؟" (همانجا)

مخبر کمیسیون در وصف "حقوقی" که رژیم برای آزادی مطبوعات قایل شد است، با منت اعلام می کند: "ما می خواهیم... کاری کنیم که مطبوعات مجاز به کسب اخبار باشند؛ تازه همین "حق الهادی" آقا یان نیز مورد مخالفت عده ای قرار می گیرد و سوراخیم به عنوان یک ماده (ماده ۶) در حقوق مطبوعات تصویب می شود که "کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی" آنهم با رعایت "این قانون" مجاز می باشد.

وقتی که حقوق مطبوعات در جمهوری اسلامی چنین باشد، "حدود مطبوعات" دیگر به خوبی روشن است. اساس قانون راهمین فصل حدود مطبوعات تشکیل می دهد و هدف آن ایجا دمحل قانونی برای سرکوب کوچکترین صدای مخالف است. "قانون" با یک ماده (ماده ۷) ۱۲ بندویک تبصره هرگونه آزادی مطبوعات رابه بسندگشده است؛ نشر مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند "جرم شناخته شده تا میا داکلمه ای از لزوم میسارزه کارگران و زحمتکشان علیه سرمایه داران و رژیم مدافع آنان در روزنامه های نوشته شود" "اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید" جرم شناخته شده است تا میا داحرفی در اشای جنایات و آدمکشی های خمینی به میان بیاید. سخندان موسوی شیرازی یکی از نمایندگان مجلس ارتجاع در باره حدود مطبوعات تمویر کامل تری از درجه آزادی کشی و سرکوب مخالفان در جمهوری اسلامی را روشن می کند و نشان می دهد که حتی فرقه های مختلف اسلام نیز کم مثل دیکتاتور های حاکم

بن بست رژیم و ...

و نیز با تلفیق نفوذ مذهبی و سیاسی خود، از موقعیتی بی نظیری برخوردار شد، و توانست بیش از هر کسی دیگری اعتماد توده ها را جلب کند، میلیونها و میلیونها مردمی که همواره با خمینی رژیم شاه را ستیگون کردند و خمینی را در رأس مبارزه خود می دیدند، او را در مان دردهای خویش می پنداشتند و به او وابور داشتند.

کسب چنان موقعیتی، مستقل از شرایطی که خلق آن بوده، ناممکن است. نه منتظری و نه هیچیک از "مراج" و "آیات" نمی توانستند موقعیت خمینی را تقلید کنند. نقش خمینی در مهار مردم، در جمع کردن همه هیات حاکمه زیر رهبری خود و در مهارت فدا و بیجرا نهی درون حکومت که ملا نشی استثنایی و منحصر بفرموده است. نه تنها منتظری هائی می توانستند چنین نقشی را ایفا کنند، بلکه خود خمینی هم، بدلیل خیانت به فلسف و ویرقار کردن حکومت استبدادی و قرون وسطایی و ریبختن خون بهترین فرزندان مردم، آن موقعیت را از دست داد و اما ج نفرت میلیونها توده ها قرار گرفته است. امروز حتی جناحی از حکومتیان نیز آشکارا علیه فرمانهای خمینی عمل می کنند و "حرمت" او را زیر نظر می گذارند. خمینی امروز نه به مردم، بلکه به سرنیزه تکیه دارد. او بدون سرنیزه لحظه ای دوام نخواهد آورد. در چنین شرایطی، بحسب دوران رونق خمینی، حمایت وی از منتظری نه تنها در میان مردم زحمتکش باعث "اعتبار" نمی شود، بلکه شدیداً لغت و نفرت آنها می گردد.

خمینی از موقعیت ویژه خود برای استقرار جمهوری اسلامی بهره جست، اما همینگونه تضعیف موقعیت وی و نفرت فرایند خلق آزاو، رژیم اش را نیز بسوی نابودی سوق می دهد. هر روز که می گذرد، پایه های رژیم خمینی سست و سست ترمی شود. بحرانی که این رژیم را بنا بوی تهدید می کند در عمیق ترین وجه خود از مخالفت و مبارزه مردم با این رژیم بهره کشی و ستم و استبداد سرچشمه می گیرد. مردم هر روز بیشتر به مخالفت با خمینی و رژیم او و برمی خیزند و نبردهای نابودی این رژیم شدت بیشتری پیدا می کند. بحران عمیق اقتصادی، بحران سیاسی و فرهنگی، تضاد و کشاکش شدید در هیات حاکمه، فرورفتن فزاینده رژیم در فساد، سنگینی فزاینده بار جنگ و... قدم به قدم رژیم جمهوری اسلامی رابه سوی گورستان "عتیقه" های تاریخی سوق می دهد. این رژیم محمول ضرورت های تکامل جامعه ما نبود، بلکه بر فدا این ضرورت ها و بر فدا نیازهای مردم است. نابودی این رژیم حکم تاریخ است و این حکم نه با خلافت خمینی و نه با جانشینی منتظری تغییر نخواهد کرد.

رفقا و دوستان عزیز! بگوئیم تا در پانزدهمین سالگرد بنیادگذاری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) برای کمک به رهایی خلق ایران همه ابتکارات را برای جلب هر چه بیشتر پشتیبانی مالی از سازمان بکار بندیم

مردم ایران! برای سرگونی رژیم جمهوری اسلامی و برنایی جمهوری ملی و دموکراتیک ایران به سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) پیوندید

پیام مشترک کمیته مرکزی حزب قوه ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اعتراض علیه شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی را رساتر سازیم!

درباره نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی ایران شونهای از اعتراض جهانی علیه گسترش شهکانهای رژیم ایران است.
ما با انزجار عمیق این رفتار فوج و جنا بیکارانه با زندانیان سیاسی را محکوم می کنیم. ما این جناات را با تشدید مبارزه علیه سرکوب و ستمی که بر خلق ما تحمیل شده است با سخنی گویم. ما از همه احزاب و سازمانهای ترقیخواه و مدافع حقوق آزادیهای فردی و اجتماعی دعوت می کنیم تمام امکانات خود را برای جلوگیری از کشتار زندانیان سیاسی ایران بکار گیرند. ما از همه مردم میهن دعوت می کنیم صدای اعتراض علیه ترور و اختناق علیه شکنجه و اعدام را رساتر سازند.

جز آنچه که مورد تایید رژیم حاکم است، به زندان افکنده اند.
زندانیان سیاسی را در ایران مورد شکنجه های طولانی جسمانی و روانی قرار می دهند. در بسیاری موارد بدین هیجگونه محاکمه ای زندانیان به جوخه اعدام سپرده می شوند. در تمام موارد زندانیان از حق دفاع از خود و از حق داشتن وکیل مدافع محرومند. همه متهمین بلا استثنا، مخفیانه محاکمه و محکوم می شوند. رژیم حتی از تحویل اجساد زندانیان و وصیت نامه های آنها، حتی از تایید رسمی خیرا اعدام ما هم اجتناب می کند. رژیم به زور شکنجه های طاقت فرسا می کوشد زندانیان را وارد سارد عذاب خود را انکار و ایدئولوژی و سیاستار تاجاع حاکم را تایید کنند. فقط طی ماههای اخیر صدها نفر به اتهام دفاع از صلح و دموکراسی، به اتهام دفاع از حقوق کارگران، دهقانان، زنان و اقلیت های ملی و مذهبی و به اتهام پابیندی به عقاید پدما رکیستی اعدام شده اند. قطع نامسه چهلمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متشدد

با خشم و نفرت بیکران اعلام می کنیم که با ردیگر گروهی از اعضای رهبری و کادرهای مسئول سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران همراه با عده با زهم بیشتری از فرزندان مبارزمردم زجر دیده و بلا کشیده ایران به حکم رژیم جمهوری اسلامی به جوخه اعدام سپرده شده و یا زیر شکنجه جان باختند.
رژیم جمهوری اسلامی ایران حتی ابتدایی ترین حقوق و آزادی های سیاسی و اجتماعی مردم و وحشیانه لگدکوب می کند. در مین تمام احزاب، سازمانها و هر نوع فعالیت سیاسی و حتی سندیکا یی زیر سر خشن ترین پیگردهای پلیسی قرار دارند. اقتصا بات و اثر ضافات کارگری و اجتماعات مسالمت آمیز و را همیما یی های مردم سرکوب می شود. مطبوعات مترقی را سال ها تعطیل کرده اند. اعمال ستم بر اقلیت های ملی و مذهبی پیدا می کند. حکومت با ارتجاعی ترین روش ها زنان را مورد تحقیر و توهین قرار می دهد.
دهها هزار نفر را به صرف پابیندی به عقاید

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۸ آذر ماه ۱۳۶۴

مصاحبه با

دیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست آتریش

"اکثریت" نشریه سازمان در خارج کشور گفتگویی با رفیق فرانتس موری دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست آتریش که از ما حین نظران برجسته جنبش جهانی کمونیستی است. انجام داده است که در شماره ۸۰ این نشریه که در تاریخ ۶/۸/۶۴ انتشار یافت، متن کامل آن به چاپ رسیده است. در این مصاحبه رفیق موری در مورد نقش و مبارزه حزب کمونیست آتریش اظهار داشت: "مبارزه حزب ما و نشریه آن "فولکس اشتیمه" (صدای خلق) در سالهای رشد اقتصادی به بهبود شرایط مادی طبقه کارگر در زمینه دستمزدها و بازنشستگی، کاهش ساعت کار و غیره کمک فراوانی کرد. ما بعد از شروع مبارزات اقتصادی در اوایل دهه هفتاد برای دفاع از دستاوردها در جهت اتخاذ تدابیر موثر علیه بیکاری، علیه سیاست های کسبی در انتقال فشار بر جان پروری دوش زحمتکاران را در ادو توسط سرمایه و دولت دنبال می شود، در صف مقدم قرار داشته و داریم." رفیق موری در باره سیاستهای جنگ طلبانه امپریالیسم آمریکا گفت: "ریگان و دستگاران او عمدتاً به ما با زوری سیاسی ارتجاعی ترین چنانچه امپریالیسم آمریکا، بویژه مجتمع نظام صنعتی عمل می کنند. این نیروها بمنظور گمراه کردن افکار عمومی خواستار مذاکرات موری در ژنو بین آمریکا و اتحاد شوروی می باشند. در حالی که آنها به منظور برتری نظامی بر اتحاد شوروی و در تمام زمینه ها به نظر می گری اما دهه هفتاد بویژه به میلیتاریزم کردن فشارها بیشتر پیخیده اند. ایالات متحده آمریکا تا بحال همه پیشنهادهای سازماندها اتحاد شوروی را رد کرده است؛ متوقف ساختن تسلیحات اتمی و استقرار موشکها در اروپا، قطع آزمایش سلاحهای اتمی، صرف نظر کردن از نظامی کردن فضا و دیگر پیشنهادها، تبدیل جهت مبارزه وسیع تر و متحد نیروهای صلح دوست فروری می باشد تا در ژنو پیشرفت های واقعی حاصل شوند."

دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست آتریش در مورد جنگ ایران و عراق و تأثیر آن در منطقه، همچنین سیاستهای حکومت ارتجاعی خمینی جنبش اظهار داشت: "ما از این جنگ عمیقاً اظهار تأسف می کنیم و بر این عقیده هستیم که این جنگ میسان ایران و عراق فوراً باید ختم یابد. مسئولیت این امر متوجه طرفین می باشد. این جنگ نیروها و وحدت خلقهای عرب را در مبارزه علیه دشمن مشترک واقعی، امپریالیسم آمریکا و نیروهای ارتجاعی در اسرائیل دچار ضعف می سازد. درگیریهای نظامی محلی و منطقه ای در وضعیت کنونی جهان، خطر توسعه آن را با خود به همراه دارند. بدین جهت، ختم دادن به این جنگ از نظر حفظ صلح جهانی نیز ضروری می باشد.
ما در رابطه با رژیم ایران با دیدگویی دولت تحت رهبری خمینی به امیدها برای اقدامات مثبت و مترقی در ایران بعد از سقوط رژیم شاه جامعه مسل تپوشا ند.

یکی از علل اعتراضات کارگری جاری علیه رژیم است. بعلاوه، طرح موجود از نظر ما منتهی شمول نیز اساساً محدود و اعدامی است که بیش از ۵۰ کارگر در دارند و تنها در برگیرنده کارگرانی است که به استخدام رسمی درآمد دارند. رژیم، در اجرای این طرح نیز برای شکل های کارگری کمترین نقشی قائل نیست.

ظواهر اجرای طرح بعیده کمیته های ۵ نفره طبقه بندی مشاغل در کارخانجات است. انتخاب اعضای این کمیته ها و چگونگی ترکیب آن، یکی از عرصه های حاد مبارزه میان توده کارگران و مدیریت ها و انجمن های انفرادی است. کارگران رژیم می کوشند با اعمال نفوذ خود مانع تشکیل کمیته های مورد نظر کارگران شوند.
رژیم خمینی با سرکوب بی وقفه و سیاستهای تکیه شکل های مستقل کارگری و محروم کردن کارگران از شرکت در تدوین قانون کار و طرح های از قبیل طبقه بندی مشاغل، حقوق سلب شده کارگران را - ما نشه خود کارخانجات - به بخش خصوصی واگذار کرده است. بنحوی که تدوین طرح طبقه بندی مشاغل اساساً به بیبایدگی "مساله ای فنی و تخصصی" است به موسسات خصوصی مشاوه فنی سپرده شده و شکل های کارگری، کمترین سهمی در تدوین آن ندارند.

لا یحده قانون کار سرحدی زاده نیز اشاره ای به سهم شکل های کارگری در تدوین و اجرای طرح ارشایی مشاغل نگشوده است. هدف رژیم روشن است؛ از نظر اقتصادی، جلوگیری از افزایش دستمزدها و دست در باره بربرگونه تغییر جسی در ضوابط ارزش گذاری کار و از نظر سیاسی، مانع شدن به تمایزات درونی در صفوف طبقه کارگر از طریق اعمال تبعیض در میان گروه بندی های شغلی مختلف و قالب کردن تمایزات شغلی به مثابه شکافهای طبقه ای در کارگران. تا کید بر اصطلاح "طبقه بندی" مشاغل بجای ارزشیابی مشاغل نیز از همین انگیزه ناشی می شود.

در سازماندهی اعتراضات جاری حول طرح ارزشیابی مشاغل، باید نه تنها برهنده فهای اقتصادی اجرای این طرح، بلکه برابری سیاسی آن و مشخصاً بر حفظ و تقویت یکپارچگی صفوف طبقه کارگر نیز تأکید داشت. مبارزه برای تدوین و اجرای یک طرح مترقی ارزشیابی مشاغل، اکنون بطور عینی با مبارزه جاری برای افزایش دستمزدها عجین شده است. کارگران پیشرو و آگاه باید با تکیه این مطالبه عینی شده ای، مبارزه برای افشای و لغو نظام کنونی طبقه بندی و استقرار یک سیستم مترقی ارزشیابی مشاغل را سازمان دهند. در چنین شرایطی، همه های مخفی کارگری باید با استفاده از همه امکانات موجود، بویژه با تدارک و سازماندهی انتخابات "کمیته های بررسی طرح طبقه بندی مشاغل" واحدهای مختلف تولیدی و خدماتی، این مبارزه را به گسترش راهبری کنند.

مبارزه برای تدوین ...
طبقه بندی مشاغل، نظام ارزشیابی گروههای شغلی مختلف در یک کشور، یک رشته، یک منطقه و یا یک واحد تولیدی است. ارزشیابی مختصاً و ویژگیهای مشاغل مختلف و نظر گرفتن تمایزات آنها از یکدیگر و تعیین و برپا داشتن دستمزدها بر اساس کمیت و کیفیت کارشان بوده طرح طبقه بندی مشاغل را تشکیل می دهد. تدوین و اجرای یک نظام مترقی ارزشیابی مشاغل از حقوق مسلم کارگران بوده و یکی از عرصه های مهم جنبش مطالباتی کارگران است.
تدوین و اجرای یک چنین طرحی، قطع نظر از نتایج مستقیم و بلاواسطه ای که در ترمیم سیستم دستمزدها کارگران می گذارد، در عین حال بعنوان محرک ای برای تشویق کارگران به افزایش سطح دانش فنی و حرفه ای خود نیز ضروری است. لاجزاً انگیزه طبقه کارگر را تا کید بر ضرورت تدوین و اجرای یک طرح مترقی، علاوه بر ارزش گذاری عادلانه کمیت و کیفیت کار، استفاده از این ضوابط بعنوان محملی برای ارتقاء سطح آموزش عمومی و حرفه ای و تربیت کادرهای فنی نیز هست.
مؤثرترین ضامن تدوین و اجرای یک طرح مترقی ارزشیابی مشاغل، مشارکت فعالانه شکل های مستقل کارگری است. مهمترین شاخص های طرح طبقه بندی عبارتند از: مهارت فنی، سابقه و تجربه کار، مدرک آموزشی، درجه مسئولیت پدیسوری میزان تلاش برای ارتقاء کمیت و کیفیت کار و شرایط کار. بهر یک از شاخص های فوق در جدولی به نام جدول ارزشیابی، امتیاز معینی تعلق می گیرد و ارزش پولی کل امتیازات، برابری ماه از حقوق یک کارگر است.

طبق معیارهای نظام طبقه بندی موجود، به بالاترین امتیازات متعلق به دارندگان مدارک تحصیلی بالا، سرپرستان و کارکنان اداری (مجموعاً حدود ۶ درصد امتیازات) و پایین ترین "امتیازات" نیز به شرایط نامساعد محیط کار، سختی کار و کارهای پر مخاطره و زیان آور اختصاص دارد. "امتیازات" کارهای شدید جسمانی کمتر از ۱۰ درصد است و برای شرایط نامساعدی چون گرمای زیاد، سرما، رطوبت، هوای آلوده و نامطبوع و جای کم نور از ۶ درصد هوای وزنی می کند. کار در شرایطی که خطر نقص عضو کلی وجود دارد (۳ درصد) یا درجه خطر نقص عضو موضعی (دست یا پا و...) وجود دارد ۲ درصد از کل امتیازات است.
آنچه که بر روح ملایک های ارزش گذاری در این طرح حاکم است، یک تبعیض مضاعف در حق اکثریت عظیم کارگران است. تبعیض ناشی از نظام طبقه بندی مشاغل، تبعیض ناشی از سیستم غیر عادلانه دستمزدها را تشدید می کند.
قطع نظر از مباحث فنی و شکافهای نظام طبقه بندی موجود، نکته قابل توجه آن است که وزارت کار رژیم خمینی، حداکثر افزایش سطح دستمزدها هر گروه شغلی و هر کارگر را معادل ۷ درصد حقوق تعیین کرده است. پابین بودن سقف ترمیم دستمزدها این طرح،

سازمانها و احزاب ترقیخواه ایران!

فدائیان خلق شما را به اتحاد برای

سرنگونی رژیم خمینی فرا می

کمونیستهای آتریش با نیروهای مترقی انقلابی در ایران، با کمونیستهای فدائیان خلق (اکثریت)، با خواستهای به حق آنها، با مبارزه شان برای لرتنا تپوی دمکراتیکه اجتماعی و راستین همبستگی کامل دارند. این مبارزه نه فقط برای خلق ایران اهمیت بسزایی است بلکه برای جنبش کارگری و جنبش رهای بخش بین المللی و همچنین برای مبارزه در راه صلح نیز اهمیت دارد. ما معتقدیم که آرمان به حق شما پیروز خواهد گشت.

بحران اقتصادی رژیم امسال و بویژه در ماههای اخیر شدت بیشتری یافته است. بر اثر بمباران مداوم جزیره خارک و نشتکها میزان صادرات نفت و در نتیجه ارز دریا فتنی رژیم بطور فاحشی کاهش یافته است.

در طی حکومت جمهوری اسلامی وابستگی اقتصادی ایران همچنان حفظ شده و در موارد بسیاری نیز شدت یافته است. طی سالهای اخیر واردات کالا نیز افزایش پیدا کرده است. مقایسه واردات کالا در سال ۵۶ (حدود ۱۴ میلیارد دلار) با واردات در سال ۶۲ (حدود ۲۲ میلیارد دلار) این سالها را بخوبی نشان می دهد. مقایسه با وابسته به حکومت اعتراف می کنند که: " حتی علوفه گاودانه مرغ را هم از خارج وارد می کنیم " (محمد عبد خدایی نماینده مجلس - کیهان ۱۱ مهر ماه ۶۴).

افزایش واردات تنها زمینه پدید آمدن ارزهای کلان می باشد. ولی این از نظر طریق صادرات کالا لایه های غیرنفتی تا مین نمی شود. زیرا صادرات ایران فوق العاده کم بوده و مداوم نیز کاهش می یابد. مثلا در سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ صادرات کشور به ترتیب ۸/۳ درصد و ۵/۹ درصد واردات را تشکیل می داد. در حالی که در سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ میزان صادرات به ترتیب ۲/۴ درصد و ۱/۹ درصد واردات کاهش یافت. یعنی صادرات غیرنفتی از حدود ۸۱۲ میلیون دلار در سال ۱۳۵۸ به ۲۸۴ میلیون دلار در سال ۱۳۶۱ تقلیل پیدا کرد.

در دوران رژیم شاه خائن و در طی حکومت جمهوری اسلامی صادرات نفت همواره مهمترین منبع تامین ارز بوده و واردات کالاهای مصرفی بخش اعظم نیازهای ارزی کشور را تشکیل می داده است. در سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ متوسط سهم دریافتی از صادرات نفت در کل درآمد های ارزی کشور به ترتیب ۹۳/۴ درصد افزایش یافت. این امر نشانگر میزان وابستگی دریافت های ارزی کشور و اقتصاد دجا ما به صادرات نفت است. در همین تنگنای اقتصادی کشور با ارز دریا فتنی از صادرات نفت و تنوع صادرات در قیمت و میزان فروش نفت آسیب های جدی به اقتصاد ایران می زند.

رهبران مترجم جمهوری اسلامی نه تنها برای تقلیل وابستگی اقتصاد کشور به ارز دریا فتنی حاصل از صادرات نفت نکوشیدند، بلکه با با زس سازی

سرما به داری وابسته و ادا مه جنگ ویرانگر ایران و عراق به این امر شدت می دهند. آنان برای تامین هزینه جنگ و مهار موقت بحران اقتصادی و بصرای کسب ارز بیشتر با افزایش صادرات نفت را در پیش می گیرند و برای دستیابی به با زرا های جدید، چوب خراج بر ذخایر نفتی ایران می زنند و به وسیله اقتصاد دکنشور را هر چه بیشتر به نفت وابسته می کنند.

کاهش ذخایر ارزی و بحران اقتصادی رژیم

تک پایهای بودن اقتصاد دکنشور و کاهش صادرات نفت تا شیرت مخرب بر تولیدات صنعتی و کشاورزی، بودجه عمرانی و کل کشور، نیروی کار و سطح زندگی کارگران و زحمتکشان و دیگر جوانان اقتصاد دکنشور بجا می گذارد.

از اوایل امسال و بویژه از تیر ماه به این سو تعداد زیادی از واحدهای تولیدی به جهت کمبود مواد اولیه، قطعات یدکی و فرسودگی ماشین آلات، به حالت تعطیل و یا نیمه تعطیل در آمدند و در اکثر کارخانجات میزان تولید به نحو محسوسی کاهش یافت. این سالها در واحدهای بزرگ تولیدی و بنحویه شکیبایی دیده می شود. کارخانه آلیسیران ناسیونال، جنرال تایر، بنزخوار، نویدولوله هاوار، پلیبیتک سازی تبریز، میخو، اوانسول، بلسوند، لپیرا لکوزا از این جمله اند. سردمداران جمهوری اسلامی خود بیجا چاره این بحران را اعتراف می کنند. بهر ادعای وزیر صنایع سنگین می گویند که تولیدات صنایع در سال جاری کاهش پیدا کرده است. این کاهش در سه ماهه اول سال جاری، به ۲۴ درصد رسید. بسیاری از مشکلات واحدهای تولیدی ناشی از کمبود رزاق است. سیکن تولید کارخانه ها در داخل کشور بسته نمی شود. این ادعا که کارخانجات تولیدی به مواد اولیه و قطعات یدکی وارداتی شدید نیاز دارند. ماشین آلات صنایع کشور به جهت پایین بودن عمر بهره برداری آن فرسوده شده است. در حالی که باستانی از گردونه بهره برداری خارج شوند، فرسودگی ماشین آلات در کیفیت تولیدات و در با زده می

آزار فراز گرفته و بیا به زندان افکنده شده اند. گروهی مجبور به ترک وطن و یا کناره گیری از ورزش شده اند و دیگران در دست رژیم جنایت پیشه خمینی به شهادت رسیده اند.

اکثر جوانان و ورزشکاران از دستگیری بیگانه تا سیسات ورزشی محرومند. بر طبق آمار می گویند که در مجلات ورزشی منتشر گردیده در شهرها که دارای بیشترین امکانات ورزشی است برای افرادی که می توانند در ورزش کنند در هر سال یک دقیقه امکان استفاده از زمینهای فوتبال و هر سال یک دقیقه امکان استفاده از استخرها وجود دارد. رژیم جنایتکار به جای گسترش امکانات و تا سیسات ورزشی، بطور جنون آمیزی بر شمار زنده ها و گورستانها می افزاید. ورزش در سطح مدارس و دانشگاهها نیز با وضعیت مشابهی مواجه است. معلم ورزش از مسابقات ابتدایی حذف شده است. در مسابقات ورزش ایادی خود فروخته رژیم به دانش آموزان درس سینه زنی و خوا بیسند درگرم، انبساط زمیند و مین و سیم خاردار و سایر تمرینات جنگی می دهند. رژیم از تشکیل تیمهای ورزشی و گروههای کوهنوردی در مدارس و دانشگاهها و در بین جوانان جلوگیری می کند.

سیاست رژیم برای انهدام ورزش ایران و مقابله با ورزشکاران و ورزش دوستان در برابر آن، ورزش را با سیسات و امکانات ورزشی پیوند داده است. هر ورزشکار و ورزش دوستی به نوعی از سیساتهای ارتجایی رژیم برخوردار است. نمونه تظاهرات امجدیه در سال گذشته که گوشه ای از بزرگوشت و اعتراض علیه رژیم بود، به اشکال مختلف و در شهرهای مختلف تکرار شده است. جنایات پیش خا منهای جنایتکار رژیم توجه به اعتراضات گسترده در محیطهای ورزشی و گفت: " دشمنان انقلاب، از این عرصه جوان پسند و گسترده نیز غفلت نورزیدند و آنرا میدان بهره گیری قرار دادند. در وقت قرار دادند. کشتکهای تیمی و رویدادهای ناپسندیده بعضی از میدانهای ورزشی ناشی از همین نفوذ است." (ا. ا. ۱۹ شهریور ۶۴) حکام ارتجایی جمهوری اسلامی از اجتماع دهها جوانان ایران و ورزش را نباید از نظر طبیعی و حق خود می دانند و نمی خواهند اجازه دهند رژیم ارتجایی می توان را از این حق بدهی محروم سازد. ادا مه سیاستهای ارتجایی و وابسته رژیم و مقاومت و اعتراض ورزشکاران و جوانان و روزبروز بیشتر ورزش ایران را بر ضد رژیم بر می انگیزد و محیطهای ورزشی را آماده انفجار و رویشات اعتراض می سازد. این وضعیت، وظایف بر راهبیتی را در برابر برقیان فدائیسوی جوانان و ورزشکاران مترقی قرار می دهد.

ورزش عرصه ای برای کارگاهها و سازمانگرا نه بوده ای و مبارزه علیه رژیم ارتجایی افشای بیگسیر سیاستهای ضد ورزشی رژیم و تقویت روحیه مخالفت

کار تا شیری می گذارد. واحدهای تولیدی برای تامین مواد اولیه و قطعات یدکی و تحویل ماشین آلات احتیاج مبرم به دریافت ارز دارند. به گفته وزارت صنایع در سال ۱۳۶۲ تنها ۲۵ درصد اعتبارهای ارزی صنایع تا مین شده است. گرچه برای شش ماه اول امسال تا مین در این زمینه ارا به نشده است ولی به جهت کاهش صادرات نفت سهمیه ارزی صنایع به مراتب نسبت به سال قبل کمتر شده و نتایج زیانبار خود را در واحدهای تولیدی نشان داده است. کاهش تولید در صنایع کشور و تعطیل و نیمه تعطیل شدن تعدادی از آنها به اخراج وسیع، با ز خرید تحمیلی، با ز نشتکی زود ترا موقت، مرخصی اجباری و نقل و انتقال های اجباری کارگران منجر شده است. بیگاری که محصولات سبک سرما به داری است در سایر جمهوری اسلامی ربه گسترش آنها دوا کنون با اخراج فوج فوج کارگران از واحدهای تولیدی و بر خیل عظیم ارتش بیگاری آن هر چه بیشتر افزون می شود. اخراج و بیگاری آنچنان ابعاد گسترده ای پیدا کرده است که هم اکنون به جدی ترین مسائل در بین کارگران تبدیل شده است.

کمبود ارز و نوسانات قیمت نفت بر بودجه کشور تا ثیرات جدی دارد. کاهش صادرات نفت موجب شده است از میزان بودجه کل سال ۶۵ بطور قابل توجهی بکاهند. بودجه عمرانی نیز به همین روشنت دچار نشت و بخله میزان در آمدن پیش بینی شده از فروش نفت در بودجه سال ۶۴ نیز تا مین نخواهد شد و موجب خواهد گردید که کسری بودجه بیش از پیش افزایش پیدا کرده و بر استقرار دولت از با ننگه افزوده شود. رژیم ضد مردمی با بر حران را بر دوش زخمی زحمتکشان گذاشته است. مصیبت های هولناک نظام منحط سرما به داری بر زندگی کارگران و دهقانان و زحمتکشان فرود می آید. مصیبت های ناشی از زخربکاری و هرج و مرج اقتصاد دکنشور و اسلامی و مصیبت های ناشی از جنگ کمبود ارز و زوری نیز زندگی زحمتکشان را زیر فشار قرار می دهد. بحران اقتصادی جمهوری اسلامی همه عناصر بر حران در تا رپودا می نظام، سرانجام در بحران ناشی از نفرت خلق از این رژیم تجسمی می یابد و به صورت نبرد خلق برای نابودی آن پاسخ خود را پیدا می کند.

همچنانچه با رژیم، جلب ورزشکاران و مربیان تیمها و روزنامه نگاران و سایر دست اندرکاران ورزشی و تشویق آنان به گسترش مبارزه با عوامل ارتجایی تربیتی دشمنی با زمان دادن اعتراضات آنان علیه رژیم از اهمیت بسیاری برخوردار است. استفاده مناسب از راه های موجود در جهت ایجاد تظاهرات اعتراضی، تشکیل تیمهای ورزشی در سطح کارخانجات، محلات، مدارس و دانشگاهها و استفاده از آنان در جهت کارگاهها و شرکت در جنبشها نیز توجه ای ویژه است که باید مورد توجه قرار گیرد. فعالین فدایی باید بکوشند ورزشکاران و ورزش دوستان را هر چه بیشتر به مبارزه علیه رژیم و به سوی سازمان خود جلب کنند.

درگذشت نویسندگانی بزرگ

با درگذشت فراوان، دکتر غلامحسین سعیدی داستا نسر و ناسیساته نویسن بزرگ ایران در غربت درگذشت. در عرصه هنر و ادبیات معاصر ایران و بویژه در هنرهای نمایشی، با سادی چهره ای برجسته به یادماندنی است. او با آثار ارزشمندش، درنگام ناسیساته نویسنی و تارملی مان نشی بی بدیسی داشت. مضمون این آثار دربرداشتن ترقیخواهان به ادبیات دوران خود تا سیسات عمیقی داشت. نوشته ها و آثار سادی همچنن، به تربیت هنرمندان جوان مبارز ایران، یاری فراوان رساند. دکتر سادی با هنر خود، علیه رژیم شاه، علیه ستم و بیاد سرام به داری مبارزه کرد و به سهم خود، خدمات شایانی به مبارزه انقلابی مردم ما انجام داد.

حاکمیت فئودالی و وسطایی جمهوری اسلامی که دشمنی بی گراشی با هنر و فرهنگ مترقی دارد، قجایعی فراموش نشدنی در این میدان به با آورده و هنرمندان بسیاری را قربانی گرفته است. با سادی نیز از جمله این قربانیان بود که مجبور شد جلالی وطن کنده و دور از مردم میهن خود در شرایط دشوار مهاجرت به مبارزه ادامه دهد. در چنین اوضاع اندوهناک این هنرمند بزرگ از میان ما رفت. درگذشت او ضایعی بزرگ برای هنر و ادبیات کشور ما است و مسبب آن رژیم منحط و هنر ستیز جمهوری اسلامی است. بی گمان بر بورژوازیهای این رژیم روزگاری است اندیشه و هنر نیز به پای آن خواهد رسید و هنرمندان مردم دوستی چون دکتر سادی عسدی با جگانه خاسته خود را در میانشان از خود انداختند. کار و آثار هنرمندانه ای چون سادی زنده خواهد ماند و در تاریخ کشور ما از آن به نیکی یاد خواهد شد. یاد او و کرامی بساد.

نابودی ورزش در رژیم خمینی

هفدهم دیماه سالروز شهادت جهان پهلوان تختی چهره مان نامدار کشتی ایران و روز ورزش است تختی در طی حیات ورزشی خود با راه به پیروزیهای چشمگیری دست یافت، اما آنچه که ما باید در تختی را در میان مردم ایران جاودانه ساخت، روح نرسردی، انسان دوستی، عشق او به مردم و زحمتکش و تلاش بخاطر بهروزی آنان بود. این صفات تختی را محبوب مردم ایران ساخت. تشییع جنازه پرنگوه او به نمایش اعتراضی علیه رژیم شاه خائن بدل گردید. بعدها ورزشکاران بسیاری در میدانهای ورزشی و زندگی شخصی و اجتماعی سرمشق قرار داده و روش منش او را زنده نگاه داشتند.

ورزش پر سابقه و پرا افشا را ایران که سریش های چون پوریای ولی و تختی دار تا امروز، پهلوانان و قهرمانان بسیاری را با سرشت نیک انسانیتی و مردمی پرورش داده است غالب ای قهرمانان متعلق به خانواده های تهیدست و زحمتکش بوده و با کار و تلاش به میدانهای بین المللی راه یافته، پیروزیهای چشمگیری بدست آورده و به ورزش ایران اعتبار بخشیده اند. با کوشش این قهرمانان تیمهای کشتی، وزنه برداری، فوتبال و... نام ایران را در جهان بلند آوازه ساختند. تختی سبیل ایسند قهرمانان است و ورزشکاران ایران سالروز شهادت او را ایستخوان روز ورزش گرامی می دارند.

جمهوری اسلامی سیاست انهدام ورزش ایران را در همه زمینه ها دنبال می کند. ورزش زنان با وضعیت غم انگیزی روبروست و رسما به ورشته ورزشی محدود شده است و همین ورشته نیز با تعطیل و یا در شرف تعطیل است. دا وودی ششمی سرپرست تربیت بدنی در سمناری به مناسبت ورزش زنان گفت: " البته خواهران ورزشکار نیز در آینده به مسابقات خارجی و بین المللی اعزام خواهند شد. البته نه برای ورزش کردن بلکه برای ارشاد ورزشکاران کشورها دیگر." این سخنان نمایانگر عمق پوسیدگی و انحطاط فکری و افکار ارتجایی دست اموزان تربیت شده خمینی نسبت به مسئله ورزش زنان است.

ورزش مردان نیز بر اثر سیاستهای ارتجایی رژیم به بیما در شرف مرگ می ماند. حکام جنایتکار جمهوری اسلامی که ورزش را با صدور " انقلاب و مکتب" ورزفتن در پس و پیش کشی از خمینی جلادیکسان می دانند، فضای خفقان آمیزی را در محیطهای ورزشی، فدراسیونها و باشگاهها تحمیل کرده اند. رژیم هم می کوشد ورزشکاران را به پذیرش مبارزات ارتجایی و احقاق حق و تسلیم کند. گروهی فدایی و ورزشکاران که تسلیم این ارتجایی نگری نشده اند، مورد تعقیب

درباره تعقیب و مراقبت

" کسی که در هنر حرفه‌ای خویش، یعنی در مبارزه علیه پلیس سیاسی - ناشی و بی مهارت باشد - چنین کسی بی‌بخشید! انقلابی نیست بلکه خرده‌کارنا چیزی است (لنین - منتخب آثار صفحه ۱۲۱)

تجربه نشان می‌دهد که در چند سال اخیر یکی از مهم‌ترین شیوه‌های دشمن برای فریب زدن به سازمان‌های انقلابی، تعقیب و مراقبت بوده است. ساواک شاه با بهره‌گیری از تکنیک تعقیب و مراقبت موفق شد در سال‌های ۵۵ و ۱۳۵۶ ضربات سنگینی به سازمان ما وارد آورد. سرکوبگران رژیم خمینی در وارد آوردن ضربه به سازمان مجاهدین از سال ۶۰ به این سو نیز در ضربه‌های حزب توده ایران از این شیوه وسیعاً استفاده کردند. ساواک خمینی در مورد سازمان ما نیز بطور گسترده از تکنیک تعقیب و مراقبت استفاده می‌کند. آشنایی با شیوه تعقیب و مراقبت و فراگیری راه‌های مقابله با آن برای نیروهای سازمان بویژه در شرایط حساس کنونی که دشمنان تمام‌جا ممانعت خود را برای سرکوب سازمان بکار انداخته است، امری ضروری و وظیفه‌ای حتمی است.

تعقیب و مراقبت و مشخصات آن

دنبال کردن یک سوژه را تعقیب و تحت نظر گرفتن آن را مراقبت می‌گویند. سوژه ممکن است شخص، مکان و یا شیئی باشد. هدف دشمن از کار بستن تکنیک تعقیب و مراقبت دست یافتن به عناصر جدید و کشف ارتباطات، امکانات، شیوه‌های تماس، مراسلات و برخی خصوصیات اخلاقی و غیره است. پلیس بعد از دستگیری افراد را از اطلاعات بدست آمده از تعقیب و مراقبت برای بلوف زدن و یا مستند کردن "جرم" افراد شوکت‌ن روحیه آنها استفاده می‌کند. تعقیب توسط پلیس سیاسی دشمن ممکن است به صورت تصادفی و بدون برنامه قبلی و یا در چارچوب یک برنامه معین و طرح ریزی شده باشد. دشمن در تعقیب طرح ریزی شده امکانات بیشتری را نسبت به تعقیب تصادفی دارد و به همین خاطر کشف این تعقیب و گریختن از آن سخت‌تر از تعقیب تصادفی است. مراقبت نیز به صورت طرح ریزی شده و یا بدون طرح قبلی صورت می‌گیرد.

گروه‌های تعقیب و مراقبت

۱ - تیم‌های تعقیب و مراقبت: این تیم‌ها در مورد تعقیب و مراقبت طرح ریزی شده بکار گرفته می‌شوند که روی سوژه انتخاب شده کار می‌کنند. این تیم‌ها ستون اصلی فعالیت دشمن در زمینه تعقیب و مراقبت را تشکیل می‌دهند. افرادی این تیم‌ها مخفی بوده و معمولاً از آموزش‌های لازم برخوردار هستند.

۲ - گروه‌های سیار: وظیفه اصلی این گروه‌ها گشت زنی در سطح شهر است. از جانب مرکز عملیاتی به این گروه‌ها علائم عمومی افراد مبارز و مشخصات افراد خاص داده می‌شود تا در حین گشت زنی افراد مشکوک را پیدا کنند. برخی از این گروه‌ها برای شناسایی انقلابیون از نام‌دین استفاده می‌کنند. این گروه‌ها فرد مشکوک را دستگیر کرده و یا برای رسیدن به سرخ‌وی را تعقیب می‌کنند.

۳ - گروه‌های ثابت: این گروه‌ها در یک مکان مشخصی مستقر هستند (ترمینال، فرودگاه، پارک، مقابله سینما، بازارها ساوهای بزرگ، پست‌خانه‌ها و تلفن‌خانه‌های مرکزی و...) و همان وظایف گروه‌های سیار را به عهده دارند.

۴ - گروه‌های پراکنده محلی: علاوه بر گروه‌های فوق، عده‌ای از بسیج‌های محل با موتور، دوچرخه و یا پیاده در محل می‌گردند و افراد مشکوک را تعقیب و مراقبت می‌کنند.

اعضای تیم‌های تعقیب و مراقبت عموماً دارای قیافه و هیكل معمولی هستند و معمولاً نشانه خاصی که جلب توجه کند، ندارند. ساواک خمینی می‌کوشد کسای را برای این کار برگزیند که فرزند پرتر حرکت بوده و بتوانند به سرعت تصمیم گرفته و خود را با شرایط جدید تطبیق دهند. وضع ظاهری این افراد اغلب عادی است و شباهتی به حزب‌الهی‌ها ندارند. در برخی موارد در تیم‌های تعقیب و مراقبت از جوانان ۱۴ تا ۱۵ ساله و یا ترکیب خانوادگی در ماشین‌ها استفاده می‌کنند. پرورش افراد دورزیده و تشکیل تیم‌های مجرب و با تجربه تعقیب و مراقبت دشوار است. به همین خاطر تیم‌های ورزیده در مورد سوژه‌های مهم بکار گرفته می‌شود. ساواک خمینی از عناصر بسیجی و انجمن اسلامی به صورت کمکی وسیعاً در تعقیب و مراقبت استفاده می‌کند.

وسایل مورد استفاده تیم‌های تعقیب و مراقبت

۱ - وسیله نقلیه: داشتن وسیله نقلیه برتر از وسیله نقلیه سوژه یکی از عوامل مهم موفقیت در تعقیب و مراقبت است. برتر حرکت ترسیم‌ن بهترین وسیله نقلیه دشمنان در شهرهای بزرگ موتورهای ۱۷۵ و ۲۵۰ است. به همین خاطر اغلب تیم‌های تعقیب پلیس از موتور استفاده می‌کنند و در اکثر موارد دو ترک سوار می‌شوند تا نفوذ در مواقع لزوم از موتور پیاده شده و تعقیب را به شکل پیاده ادامه دهد. بسیاری از تیم‌های تعقیب و مراقبت از تومبیل نیز استفاده می‌کنند. تیم‌های تعقیب از یک موتور دو ترک، دو موتور دو ترک، دو موتور یک ماشین و در موارد خاص هم از فرادوسایل نقلیه بیشتر تشکیل می‌شود.

۲ - وسایل استتار (تغییر قیافه): اعضای تیم‌های تعقیب و مراقبت تغییر قیافه استفاده می‌کنند. عینک، کلاه، کلاه‌گیس و... برای

۳ - وسایل استتار عملیاتی: تیم‌های تعقیب و مراقبت در صورت لزوم از پوشش‌های طبیعی (بویولانس) ماشین‌های، برای اتمام حجت عملیاتی ساواک‌های، دست‌فروشی و... استفاده می‌کنند.

۴ - وسایل عکس برداری و فیلم برداری: تیم‌های تعقیب و مراقبت در موارد لزوم از سوژه عکس برداری می‌کنند.

۵ - وسایل ارتباط گیری: اعضای این تیم‌ها علاوه بر علائم

قرار دادی برای ارتباط با همدیگر و با مرکز عملیات از دستگای بیسیم استفاده می‌کنند.
۶ - وسایل استراق سمع و ردیاب: ممکن است در موارد پراهمیت در خانه یا ماشین سوژه، دستگاه میکروفون نصب گردد، و یا اینکه ریواس در ماشین کار گذاشته شود.

راه‌های ردگیری پلیس سیاسی

۱ - انتقال ردا نظریه فردی که به دلایل گوناگون لورفته و تحت تعقیب باشد.

۲ - سرزدن به امکانات و محل‌های لورفته و نیز انتقال ردا نظریه خویش و ندانند و آشنایان به کارهای مخفی.

۳ - بی‌مبالایی در مکالمات و مکاتبات با خارج از کشور و نیز ردگیری از طریق کنترل تلفن‌ها و آدرس‌ها.

۴ - کنترل فروشگاه‌ها یا بی‌گناهی که لوازم مورد نیاز برای سازمان‌های انقلابی در آن فروخته می‌شود (کاغذ، مرکب، وسایل انتشاراتی و...)

۵ - کنترل محل‌های تجمع یا رفت و آمد مداوم در آن سازمان‌های انقلابی (جلسات، بزرگداشت شهدا، کتابفروشی‌ها و...)

۶ - مشکوک شدن گشتی‌های مخفی پلیس به حرکات یک فرد و یا شناسایی آن توسط نادانین.

در تمام موارد فوق می‌توان با هوشیاری و دقت‌مکان‌های ردگیری را مسدود نمود بدون اینکه فعالیت سازمانی را محدود و یا از امکانات موجود صرف نظر کرد.

مراقبت

پلیس سیاسی برای مراقبت نیاز به مکان‌هایی جهت دیده‌بانی (دیدگاه) سوژه دارد. تهیه دیدگاه‌های مناسب برای پلیس به سادگی امکان پذیر نیست. ولی تجربه نشان می‌دهد که دیدگاه مناسب در جمع‌آوری اطلاعات برای پلیس کمک زیادی می‌کند. پلیس در درجه اول احتیاج به مکان‌هایی دارد که ما در مراقبت در پوشش مناسب و یا بدون اینکه دیده شود قادر باشد سوژه را تحت نظر قرار دهد. پلیس برای این کار از خانه‌ها، همسایه‌ها، ماشین‌پارک‌ها، نزدیک مکان سوژه، فرشته‌ها، کلبه‌ها، کیبوسک‌ها، مطبوعات، ایستگاه اتوبوس، صف خرید و غیره استفاده می‌کند. پلیس برای استفاده طولانی معمولاً از خانه، کیبوسک، نمازگاه، بسترای مراقبت‌های محدوداً زلف اتوبوس، صف خرید، ماشین‌پارک‌ها و... استفاده می‌کند.

کشف دیدگاه مراقبت

برای کشف دیدگاه باید نقاط مناسبی را که پلیس برای مراقبت می‌تواند انتخاب کند تعیین کرد و سپس دیدگاه‌های ضد مراقبت برای این نقاط تهیه نمود. باید کلیه پنجره‌های خانه‌های روبه‌روی مجاور را تحت نظر گرفت و به وضع کرکره‌ها و پرده‌های آنها توجه کرد، رفت و آمدهای غیر عادی به این خانه‌ها را زیر نظر گرفت، تمام همسایه‌ها را شناخت و از وضع زندگی آنها و کیفیت کارشان مطلع شد. برای کشف دیدگاه‌های با پوشش طبیعی، باید تغییرات محل را تحت نظر گرفته و به تغییرات جدید توجه جدی کرد. مغازه‌دیده‌ی که بازمی‌شود، کیبوسک تازه‌ی که نصب می‌شود، افراد دیده‌ی که در مغازه‌ها، کیبوسک‌های محل شروع بکار می‌کنند، فروشنده دوره‌گردی که به تازگی در محل دیده می‌شود، افراد بیکاری که در محل رفت و آمد و وقت‌گذرانی می‌کنند، مستاجر جدیدی که وارد محل می‌شود... باید مورد توجه قرار داد. عامل مهم در کشف دیدگاه، شناخت از ساکنین محل و داشتن رابطه با آنها و نیز زیر نظر گرفتن کلیه تغییرات و حرکات است که در محل صورت می‌گیرد.

روش‌های تعقیب پیاده توسط پلیس

۱ - روش خطی: در این روش ما مورین به دنبال سوژه حرکت می‌کنند. ما موراول سوژه را تعقیب می‌کنند و ما موروم به فاصله کم از ما موراول و ما مورین بعدی نیز به ترتیب همدیگر را تعقیب می‌کنند. معمولاً در این روش از ۳ ما مور استفاده می‌شود. ولی ممکن است تعداد ما مورین بیشتر از سه نفر باشد. زمانی که سوژه تغییر مسیر داده و یا ایستادگی تعقیب تغییر می‌کند. در بسیاری موارد ما موراول مسیر خود را ادامه می‌دهد و ما موروم می‌آورد. به موازات آن ما موراول حرکت می‌کند. در این روش وقتی سوژه سمت حرکت خود را تغییر می‌دهد، ترکیب ما مورین تغییر کرده و مجدداً تعقیب به همان روش یا با روش‌های دیگر ادامه پیدا می‌کند.

۲ - روش پنجه‌ای: در این روش سوژه از دو طرف تحت نظر گرفته می‌شود. ما موراول دنبال سوژه و ما موروم به فاصله معین به دنبال آن و ما مور سوم در طرف دیگر می‌آیند. به موازات آن آنها در مقابل ما موراول حرکت می‌کنند. در این روش وقتی سوژه سمت حرکت خود را تغییر می‌دهد، ترکیب ما مورین تغییر کرده و مجدداً تعقیب به همان روش یا با روش‌های دیگر ادامه پیدا می‌کند.

۳ - روش موازی: این روش در خیابان‌های موازی (مناطقی که بر پایه اصول شهرسازی بنا شده‌اند) و در خیابان‌های خلوت و یا موقعی که سوژه حساس باشد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش یک ما مور در خیابان‌های موازی مسیر سوژه حرکت کرده و یک ما مور نیز پشت سر سوژه قرار می‌گیرد. ما مورین دیگر در نقاط‌های خیابان منتظر سوژه می‌شوند و او را تحت نظر قرار می‌دهند. زمانی که سوژه تغییر می‌دهد، ما مورین که به دنبال او حرکت می‌کرد، به مسیر خود ادامه می‌دهد و در خیابان موازی مسیر جدید سوژه قرار می‌گیرد و ما مور دوم موری که در خیابان‌های موازی مسیر قبلی قرار داشت، پشت سوژه قرار می‌گیرد. در مواردی در این روش هیچ ما موری پشت سوژه قرار نمی‌گیرد. در این حالت اگر سوژه نا پدید شد، ما مورین متوجه محل این اتفاق شده و در همان نقطه به دنبال آن می‌گردند.

۴ - روش محل‌های ثابت: در این روش، ما مورین از قبل در محل‌های ثابتی در مسیر سوژه قرار می‌گیرند و سوژه را به یکدیگر می‌رسانند. در این روش زمانی بکار گرفته می‌شود که ما مورین از قبل از محل ملاقات و مسیر حرکت سوژه مطلع باشند.

روش‌های تعقیب فرد پیاده با استفاده از وسیله نقلیه

روش‌های تعقیب در این حالت همان روش‌های تعقیب پیاده است.



این تفاوت که دشمن با استفاده از تحرک و سایر نقلیه می تواند به آسانی این روش را تغییر دهد یا بهم تبدیل کرده و اشکال متنوعی را بوجود آورد. وسیله نقلیه مورد استفاده در این روش معمولاً موتور و عمدتاً موتور دوتسترک است.

۱ - تعقیب درخیا با نهان و کوچک های خلوت : سوژه درخیا با نهانها و کوچک های خلوت بهراحتی می تواند متوجه تعقیب شود. بهمین خاطر یکی از مایه های در سر کوچک یا خیا با نهان بگونه ای که دیده نشود، قرار می گیرد و زمانی که سوژه به خیا با نهان یا کوچک دیگر پیچیده است، به دنبال آن راه می افتد. به مجرد اینکه سوژه وارد خیا با نهان یا کوچک دیگری شود، ما مورین را با استفاده از موتور و فرآورده های تقاطع رساننده و از موتور پیاپی می شود و بهمین شیوه و با استفاده از دیگر شیوه ها، تعقیب را ادامه می دهد.

۲ - انتقال ما مورین تعقیب به جلوسوژه : هنگامی که سوژه وارد خیا با نهانی می شود قبل از اینکه به تقاطع بعدی برسد، یکی از ما مورین با استفاده از موتور و خیا با نهانی اطراف به جلوی سوژه منتقل می شود. از آنجا که ما مورین تعقیب جلوتر از سوژه قرار دارد، امکان کمی وجود دارد که سوژه به او مظنون شود. از این تاکتیک می توان در هر سه شیوه تعقیب استفاده کرد.

۳ - استقبال : در صورتی که مسیر سوژه بدلائل مختلف برای پلیس سیاسی معلوم باشد (حرکت همیشگی سوژه، تعقیب های قبلی سوژه و اطلاعات مشخص می تواند مسیر سوژه را برای ما مورین مشخص کند) از این روش استفاده می کنند. در این روش ما مورین از قبل در محل مستقر می شوند در این حالت ابتدا عمل درست ما مورین تعقیب بوده و کشف آن بسیار مشکل است.

روش های تعقیب سوژه

در تیم های تعقیب در تهران و شهرهای بزرگ موتور و وسیله اصلی تعقیب است. تیم ها معمولاً از یک موتور دوتسترک، دو موتور دوتسترک، دو موتور و یک ماشین و در مواردی اهمیت از وسایل نقلیه بیشتر استفاده می کنند. ما مورین تیم ها بگونه ای است که به مجرد پیدای شدن سوژه، تعقیب به یکی از روش های تعقیب پیاپی ادامه پیدا می کند.

ما مورین در تعقیب اتومبیل معمولاً با یک موتور دنبال آن حرکت می کنند. در حالتی که تعداد موتور بیش از یک عدد باشد، موتور دوم با فاصله به دنبال موتور اول حرکت می کند. در مواردی که موتور دوتسترک خود را با هم عوض می کنند. آنها بگونه ای حرکت می کنند که از آینه راننده دیده نشوند برای تأمین این هدف :

- ۱ - درخیا با نهانی معمولی در فاصله ۲۰۰ - ۳۰۰ متری پشت سوژه در پناه ماشین ها یا به بدنه اتومبیل سوژه حرکت می کنند، قفسه های می گیرند. در این حالت راننده و ترک و از شیشه عقب اتومبیل ها بی خبرند. در بدنه اتومبیل سوژه حرکت می کنند، ماشین سوژه را تحت نظر می گیرند. در این حالت موتور و اتومبیل سوژه دیده نمی شود.
- ۲ - ما مورین درخیا با نهانی عریض در حاشیه سمت چپ اتومبیل سوژه جهت خلاف حرکت ماشین ها یا به از مقابل می آیند، قرار می گیرند.
- ۳ - دو موتور است اتومبیل در قسمت کور قرار می گیرند.
- ۴ - ما مورین در پیاده رو عقب تر از اتومبیل سوژه قرار می گیرند. در تمام این موارد ما مورین از آینه راننده دیده نمی شوند. ما مورین تلاش می کنند حتی از شیشه عقب اتومبیل دیده نشوند. ما مورین اگر احساس کنند که سوژه متوجه آنها شده است، به خیا با نهان دیگر پیچیده و یا از کنتسار سوژه عبور کرده و یا بین دو ماشین پارک شده، پنهان می شوند و یا تظا هر به طبیعی بودن حرکت خود می کنند.

۲ - درخیا با نهانی خلوت و فرعی : اگر سوژه وارد خیا با نهانی خلوتی شد که بجز اتومبیل وی اتومبیل دیگری در آن حرکت نمی کند، ما مورین از موتور پیاپی شده و از کنتسار اتومبیل سوژه را تحت نظر می گیرند و تا زمانی که اتومبیل سوژه نیچیده است، وارد خیا با نهانی نمی شوند. به مجرد اینکه اتومبیل سوژه پیچید، ما مورین با سرعت خیلی زیاد خود را به تقاطع می رسانند. از آنجا پیچیده است، می رسند و مجدداً همین شیوه را تکرار می کنند. پلیس در تعقیب سوژه موتور و راننده را همین روشها استفاده می کند. در چنین حالتی ما مورین بدلیل تحرک موتور مجبورند با فاصله کمتری بسا سوژه حرکت کنند.

در تعقیب با اتومبیل بطور معمول یک اتومبیل بدنه اتومبیل سوژه حرکت می کند و اتومبیل دیگر با فاصله معین از اتومبیل اول قرار می گیرد. هر دو اتومبیل می کشند و در ابتدای اتومبیل های دیگر مخفی کرده و در لحظات مناسب جای خود را بیکدیگر تعویض می کنند. ما مورین ممکن است تنها از یک اتومبیل و یا بیش از دو اتومبیل نیز استفاده کنند. در مواردی که سوژه ما مورین مسیر سوژه را حدس زده و یا از قبل مطلع باشند، ممکن است یکی از اتومبیل ها جلوتر از سوژه قرار گرفته و از طریق آینه سوژه را کنترل کند.

کشف تعقیب

هدف اصلی از کشف تعقیب بخشی کردن تلاش های دشمن برای وارد آوردن ضربه به سازمان و خارج کردن افراد امکاننا از چنگ دشمن و خارج شدن از تور تعقیب و مراقبت است. در مراحل ابتدایی فعالین مخفی معمولاً از یک برتری اساسی نسبت به ما مورین تعقیب برخوردارند و آن این است که آنها را تعقیب کننده برای قرار دادن ما مورین در وضعیت نامناسب است. با بهره گیری از این برتری می توان ما مورین را به محل های مختلف هدایت کرد و آنها را در شرایط نامناسب قرار داد. شنا سایی کرد و موقعیت مناسب از چنگ آنها گریخت. در کشف تعقیب، حفظ خوشمردی و کار بست روشهایی که مانع کشف تعقیب توسط دشمن شود، از اهمیت بسیار برخوردار است. مهمترین عوامل در کشف تعقیب عبارتند از :

- ۱ - داشتن نقشه و طرح تنظیم شده : بدون داشتن طرح برنا مه ریزی شده و تنها با عبور از مسیرهای و کنترل پشت سر، نمی توان تعقیب را کشف کرد. با توجه به امکاننا وسیع دشمن، برتری فردی که تحت تعقیب قرار می گیرد، تنها زمانی مطرح می باشد که از قبل برنامه حرکت خود را تنظیم کرده و گذرگاه های کاملاً مناسبی را انتخاب نماید. خوش بساوری است کسی فکر کند با یکی دو بار پیچیدن به این یا آن خیا با نهانی می تواند تعقیب را کشف و یا از تور تعقیب و مراقبت فرار کند. اگر رفیق زیندگسی عادی در این باره بدقت کند که ما مورین متوجه اقدامات او برای چک کردن خودش شوند. زیرا خود را این امر می توانند ما مورین را از فعالیت انقلابی او مطمئن ساخته و برنا مه های جدی تر او را موردوی به اجرا گذارند. این

دسته از رفا با بی بطور متناوب از گذرگاه های عبور کنند که کاملاً عادی بنظر می رسد. رفقا بویژه در هنگام اجرای قرار و یا دیگر فعالیت های مخفی، برای با صلاح چک کردن خود از چند خیا با نهان، کوچک عبور می کنند. این نوع چک کردن، شیوه کاملاً نادرستی است. زیرا نه تنها تعقیب کشف نمی شود، بلکه حرکت در مسیر پیچ و خم و غیر عادی، ما مورین را هشدار می دهد. رفقای که زندگی عادی دارند، باید بگویند شیوه اجرای قرار های خود را بگونه ای عادی تنظیم کنند که در صورت تحت تعقیب قرار گرفتن دشمن به هیچ وجه ندانند قرار را از کار روزنگی عادی آنها تفکیک کند.

۲ - منطقه مناسب و شناخت دقیق آن : برای کشف تعقیب و فرار از آن، باید از منطقه ای که حرکت در آن صورت می گیرد، شنا سایی کامل داشت و از امکانات آن مطلع بود. تابتوان در عمل انعطافها و ابتکارهای لازم را بکار گرفت، رفقا باید دشمن را به مناطقی بکشانند که از قبل نسبت به آن شنا سایی دقیق و کامل دارند. منطقه مورد نظر باید منطقه ای مناسب برای پی اثر کردن امکانات تعقیب کننده گان، به سر ریختن آرایش انسان و قرار دادن آنها در وضعیت های نامناسب بطور مکرر برخوردار باشد. این منطقه باید دارای راهها و نقاط مناسب برای فرار یا گم شدن، طبیعتی باشد.

۳ - وسیله نقلیه مناسب : داشتن وسیله نقلیه مناسب در کشف تعقیب و اجرای ضد تعقیب از اهمیت جدی برخوردار است. بدترین وسیله نقلیه در تهران و شهرهای بزرگ اتومبیل شخصی و بهترین وسیله تحرک ترین وسیله موتور است. به جهت تحرک کم اتومبیل شخصی و مهم بودن آن، کشف تعقیب و فرار توسط آن دشوار است. برای حرکات مهم به هیچ وجه نباید از اتومبیل استفاده شود. اگر رفیق بی بطور عادی از اتومبیل شخصی استفاده می کند، می بایست پس از چک کردن از اتومبیل پیاپی شده و بخش عمده ای از مسیر را پیاپی طی نموده و خود را با یک کنتسار از اجرای قرار، ابتدا خود را چک کرده و سپس سوار اتومبیل شود.

روش های کشف تعقیب پیاپی

هر رفیقی با در نظر گرفتن امکانات شخصی و منطقه حرکت باید ابتدا کار را ت خاص را برای کشف تعقیب بکار بگیرد. تاکتیک عمومی برای کشف تعقیب وجود ندارد. ما به چند تاکتیک بطور نمونه و آراشا ره می کنیم :

- ۱ - استفاده از امکانات گوناگون برای نگاه کردن بطور طبیعی به پشت سر :
- استفاده از آشیاء شفاف در مسیر حرکت برای دیدن پشت سر (شیشه های نمازها، آینه اتومبیل ها و ...)
- توقف ناگهانی در مقابل تابلو علائنا، روزنا مفروشی و غیره و کنترل پشت سر با دیدن شنی.
- متوقف نمودن یک عا بر برای پرسش ساده (ساعت چندانست، خواستن کبریت و ...)
- برگشتن در جهت عکس حرکت خود به پناه های مختلف. این برگشت برای تعقیب کننده ناگهانی است و سعی می کنند که خود را پنهان سازند.
- انداختن ششی به زمین بطور طبیعی (سکه، دستمال و ...)
- ۲ - عبور از عرض خیا با نهانی کم عرض و نگاه کردن به پشت سر به پناه ها :
- استفاده از آینه های که از پشت شیشه شان بیرون دیده شود.
- ۳ - استفاده از آینه های که در روبروی خیا با نهانی T شکل قرار دارند و از شیشه این آینه ها خیا با نهانی دیده می شود. در این حالت بسا تعقیب کننده گان در دشوار است و بتوانند خود را پنهان کنند.
- ۴ - پس از پیچیدن از خیا با نهانی به خیا با نهان دیگر، (یا از کوچک ای به کوچک دیگر) می توان بلافاصله وارد نماز شویا در صورت امکان بطور طبیعی در نقطه ای قرار گرفت که به آسانی دیده نشود. معمولاً وقتی تعقیب کننده سرخیا با نهانی کوچک می رسد سوژه را نمی بینند یا نگاه چوبی دنبال سوژه می گردد. بدین وسیله می توان تعقیب را کشف کرد.
- ۵ - پس از پیچیدن از خیا با نهانی خلوت (یا کوچک) به خیا با نهانی (یا کوچک) دیگر می توان به پناه های مجدداً سر پیچ برگشته و داخل خیا با نهانی کوچک قبلی را نگاه کرد و از این طریق تعقیب کننده گان را دیده. این تاکتیک را می توان درخیا با نهانی خلوت و طویل و پیچ و خم بازوای مختلف بکار گرفت.

۵ - استفاده از مناطق باز و خلوت، باغها، بیابانها و ماکس عمومی یا ز. در این مناطق به علت گستردگی، امکان شنا سایی ما مورین افزایش می یابد. اجرای شیوه های کلاسیک تعقیب برای ما مورین در این مناطق مشکل است. بهمین علت مجبور می شوند در فاصله نزدیک با سوژه حرکت کنند. بهمین خاطر امکاننا کشف در این شیوه زیاد است.

۶ - استفاده از تاریکی و حرکت در غروب و شب. در این شرایط ما مورین مجبور می شوند که برای گم نکردن سوژه فاصله خود را با آن کم کنند. در این حالت امکانات قابل توجهی برای کشف تعقیب وجود دارد.

۷ - توقف طبیعی در یک محل تاریک (بخصوص پس از پیچیدن در یک خیا با نهان) و تحت نظر گرفتن منطقه روشن.

۸ - حرکت در یک خیا با نهان تاریک یک طرفه و در جهت مخالف عبور بسا بسل نقلیه و نگاه کردن به عقب در نقطه عبور اتومبیل امکان دیدن موتور تعقیب در نقطه عبور اتومبیل کم می شود می توان از این موقعیت استفاده کرد.

۹ - ورود ناگهانی از یک خیا با نهان روشن به خیا با نهان تاریک. ما مورین تعقیب از ترس کم کردن سوژه مجبور است بر سرعت خود پنا فزاید.

۱۰ - وارد شدن به کافه رستوران یا بادیس ازورودیه رستوران و کافه در نقطه ای نشست که صدای پشت به دیوار نزدیک بجز به باشد تا بتوان داخل خیا با نهان را دید. معمولاً ما مورین برای کنترل سوژه وارد رستوران و کافه می شوند. می توان از نگاه کنترل کننده آنها را شناخت.

۱۱ - زمانی که افزایشی از میدانی بیرون می آیند، می توان وارد جمعیت شد. ما مورین برای گم نکردن سوژه مجبورند به سمت جمعیت پنا بیفتند و در میان جمعیت دنبال سوژه بگردند. از این طریق می توان تعقیب را کشف کرد.

کشف تعقیب هنگام استفاده از اتومبیل شخصی

رفیقی که با اتومبیل حرکت می کند و قصد کشف تعقیب را دارد، باید مهارت کافی در رانندگی داشته باشد و بتواند از آینه جلو و شیشه های بغل بدون اینکه سرش را حرکت دهد، بطور کامل استفاده کند و بتواند پنا دیدن نشانه های جزئی ماشین و یا موتور تعقیب کننده گان را از آینه دانشمند

ارتشیان از جنگ بیزارند

در ارتش درد جنگ را بهتراز همه جامی توان حس کرد. ارتشیان در هیولای جنگ خمینی را با همه بی رحمی و ویرانگری و با تمام وجود لمس می کنند. آنها خوب درک می کنند که این جنگ چگونه چون نیرازی سبی برتن خون آلود میهن ما فرونشسته و هر چه زمان پیش می رود، بیشتر آنرا از رمق می اندازد. ارتشیان از جنگ خسته و بیزارند. اکثر آنها از سربازان ساده گرفته تا درجه داران و افسران جزء تنها به یک چیز فکری کنند، تنها یک چیز را آرزو می کنند: صلح. صلح عزیزترین کلمه ای است که امروز میتوان از آن با هر ارتشی خسته از جنگ سخن گفت.

گزارشی که در زیر می خوانید تصویری است از وضعیت ارتش و ارتشیان زیر فشار سه سال جنگ.

در ارتش، شانس خدمت کردن پشت جبهه و دور بودن هر چند کوتاه از مناظر جنگی، شانس بسیار بزرگی است. اما این شانس، براحقی بدست نمی آید. در میان افسران ارشد آنها که به اندازه کافی پیسر شده باشند، یا مجروح جنگی بجای آید و یا مورد اعتماد در رژیم نباشند، به پشت جبهه و پادگانهای آموزشی منتقل میشوند. از میان افسران جزء نیز مجروحین جنگی، اعضاء خانواده شهدا و سیاسی-عقیدتی ها از چنین شانس برخوردارند. اما در میان درجه داران، بویژه درجه داران جزء و سربازان، بودن در پشت جبهه یک روییای دست نیافتنی است. تنها آنها ای که پارتنی های خیلی سطح بالا دارند و یا مورد لطف دوا بر سیاسی - عقیدتی قرار می گیرند، میتوانند خود را از تنش جنگ دور نگاه دارند. اما اینهم موقتی است. خطرا عزام به جبهه و کشته شدن در این جنگ کشیف هر لحظه آنها را تهدید می کند. در پادگانها کسی حق ندارد برای لحظاتی هم که شده با گوش دادن به ترانه های بی خواننده سرود دسته جمعی درد جنگ را فراموش کند. سیاسی-عقیدتی ها هم جا به جا سوسی و خیرچین سبایی و پرونده سازی میشوند. اکثر آنها از طرف سپاه و بسیج معرفی می شوند. وظیفه آنها مبارزه با ناراضیان و سرکوب بر حرکت و حرف صلح خواهان است. وظیفه مبارزه با گروههای انقلابی-سیاسی در پادگانها نیز برعهده آنهاست. وجود سیاسی-عقیدتی، زندگی سربازان، درجه داران و افسران جزء را در مناظر پشت جبهه که بدون آنها بدکارانی خسته کننده و دلخوره آور است، به جهشی تبدیل می کند.

در جبهه ها کمتر کسی را میتوان یافت که سه با این رژیم ارتجاعی و جنگ موافق باشد. هر سرگرمی از آرزوهای و بدلیلی با رژیم و جنگ مخالف است. افسران ارشد روحیه فیضی دارند. عموماً با سیاسی - عقیدتی ها درگیرند. هر کدام از آنها میخواهند لشکر را به کنترل خود در آورند. اکثریت افسران ارشد خواهان بازگشت به وضع گذشته اند. آنها در همین حال دوست ندارند که موقعیت شغلی و اجتماعی خود را از دست بدهند و بنا بر این سعی می کنند با ظاهر شدیداً اسلامی قوانین رژیم گذشته را در سطح لشکر و در همه ارتش پیاده کنند. بعد از فتح جزیره مجنون به فرمانده یکی از تیپهای لشکر ۲۱ حمله دستور داده شد که فوراً نیروهایش را برای پادگان به آنجا ببرد. این عمل بسیار خطرناکی بود. فرمانده فوق از این کار سرباز زده و گفته بود که نمی خواهد پرسنل خود را بپیوهد. به کیشن دهد. مدتی بعد او را بازداشت کردند. اما فرمانده تیپ یک، داوطلبانه نیروی خود را به جزیره مجنون برد. بسیاری از افراد تیپ کشته شدند. او بعداً در عملیات بدر نیز در برابر نیروهای عبود ایستاد و سعی میکرد تا مع فرار آنها شوند. جانم ستاد فرماندهی قرار شد که وی به "پاس خدمات" به لشکر ۷۷ مشهد منتقل شده و فرماندهی بسیار

معاونت آنها بعهده گیرد. در ارتش جمهوری اسلامی فرماندهان بزرگ به بهای خون سربازان و بدون هیچگونه اعتمادی به رژیم به دنبال ارتقاء هستند و رژیم این خوی ضد انسانی را در آنها تقویت می کند.

افسران جزء اکثراً مخالف جنگ و رژیم هستند. بین آنها نیروهای دموکرات و مترقی زیاد است. بسیاری از آنها بدلیل دفاع از حقوق خود و پرسنل پناهنتر با فرماندهان و پادگانها سیاسی-عقیدتی درگیرند. سیاسی - عقیدتی ها و فرماندهان از دو طرف بر افسران جزء و توده کثیر سربازان و درجه داران فشار می آورند. از یک طرف حربیه و عقب انداختن درجه، قطع حقوق و فوق العاده و توتیب و لغو مرخصی، و از طرف دیگر مبارک "حاسوس" و "ضد انقلاب" علیه ارتشیان ناراضی بکار گرفته می شود.

اکثریت قریب به اتفاق درجه داران از جنگ خسته و بیزارند. یکبار در یکی از واحدهای زرهی ابلاغ کردند که هر کس میخواهد بیانه استعفا بدهد. تقریباً ۸۰٪ درجه داران بلافاصله استعفا دادند. نوشته شد: ولی پس از چندی برای همه آنها توبیخ نامه فرستاده شد. بسیاری از درجه داران حاضرند همه زندگی خود را بفرشند و از دست جنگ خلاصی یابند. اما رژیم دست از سر آنها بر نمی دارد. اکثریت آنها تا آخرین لحظه با زشتی و حتی بعد از آرزوهای درجه داران هم واردی پیش آمده است که درجه داران از جمله در تیپ یک لشکر ۲۱ حمله جمع شده و بطور دسته جمعی پیش فرمانده ارتش و مسایل و مشکلات خود را مطرح کرده اند. این اعتراضات علاوه بر اعتراضات فری، بی شماری است که با نوشتن نامه و شکایت و صورت گرفته می گیرد. اما موضوع اصلی آن است که اکثر آنها هنوز به آن درجه ارزش سیاسی و آگاهی نرسیده اند که عامل اصلی بدبختی آنها خود را تشخیص دهند.

پرسنل وظیفه، درجه داران و وظیفه و سربازان را شامل می شود. اکثریت قریب به اتفاق آنها مخالف رژیم هستند. زیرا معمولاً کسانی که به سرباز می روند و یا در کمیته ها استخدام می شوند، پرسنل وظیفه عموماً از جنگ ناراضی و متفق هستند. همه در انتظار باقی مانده اند، مرخصی گرفتن و پایان خدمت هستند. اکثریت قریب به اتفاق سربازان به زور و اجبار به جبهه ها می آیند. یکبار در یک کلاسهای سیاسی - عقیدتی از سربازان برای چه به خدمت آمده اند و تقریباً همه آنها جواب دادند که برای گرفتن کارت پایان خدمت آمده اند. این امر در مورد اکثریت قریب به اتفاق سربازان صادق است. روحیه بسیار پایین است. حتی بسیجیها و پاسداران بدون فرمان عقب نشینی می کنند. فسران و عقیدت، به ویژه فرار از عملیات بسیار رگستر است. رژیم برای جلوگیری از موج غیرقابل کنترل فرار و عقبیت سربازان و درجه داران، قوانین و تشبیهات سختی اعمال می کند. کسانیکه فرار کنند، قطعاً با قیام دهندند. از حقوق آنها برای مدتی قطع می شود. فرماندهان آنها را زندانی کرده و با قفسه خدمت می زنند. استفاده از مواد مخدر و مشروبات الکلی در جبهه ها رواج بسیار زیاد است. هیچ فرماندهان عالی سربازان ساده، بسیجی، ارتشیان خسته از جنگ که روحیه های خود را از دست داده اند و هیچ برای پایداری در جنگ و نجات خود و نظرشان نمی رسد. همه با هم در حال فروپاشی و فرارند. خواست بزرگ سربازان و درجه داران صلح است و از صلح خواهان و هر کسی بر پادگانها مشتاقانند. می نایند. این واژه چون با در جبهه ها می پیچد و از سنگری به سنگری می فرود می آید. هیچ نیرویی قادر نیست که از گسترش روزافزون این ایده در میان سربازان و ارتشیان جلوگیری کند. سربازان، درجه داران و افسران میهن پرست خواهان صلح اند و بزرگترین دشمن این خواست عمومی و مشترک در سطح ارتش سیاسی - عقیدتیها و فرماندهان طرفدار خمینی هستند. کار اصلی دوا بر سیاسی - عقیدتی بطور اخص مبارزه با گروههای مختلف سیاسی و بویژه حرکات

صلح خواهانه ارتشیان است. مثلاً عده ای از اعمال مزدور و سرپرده رژیم در هر یک از سطوح لشکر ۲۱ حمله جمع شده و دسته سیاسی - عقیدتی را تشکیل می دهند و کارشان در داخل درهما مورا است. آنها از کمیته دستور نمی گیرند و در مخالفت عمل می کنند. سربازان و بسیجی - عقیدتی معمولاً بدون انضباط نظامی، بدون فرم، با موهای بلند و لباسهای نامنظم در محل استراحتگاهها هستند. در مسیگا شرکت نمی کنند و از حقوق و پستهای برخوردارند. سربازان، درجه داران و افسران جزء از دست سیاسی - عقیدتی ها به تنگ آمده اند. آنها نفرت دارند. در سطح ارتش اینها مدافعان اصلی جنگ هستند و به همین دلیل هم ارتشیان میهن دوست پیش از همه از آنها نفرت دارند. زودتر زودتر از تنگ آید این رگان و سطح ارتش برپا شود. سیاسی - عقیدتیها در جبهه هم آزار می بینند. در سطح ارتش اینها مدافعان اصلی جنگ خواهند تر. نه سرود دسته جمعی هم ندانند گوش کردن به رادیوهای غیر ارتش و بیادولتی با نوار و غیره. روز زنده اند. در کلاسهای آموزشی و کلاسهای سیاسی و اجتماعی خدمت می زنند. در سطح ارتش ۲۱ حمله دو جریان وجود دارد. یکی از آنها می خواهد سیاسی - عقیدتی ها و رژیم را تقویت نماید و دیگری درصدد افزایش قدرت فرماندهان نظامی در مقابل دوا بر سیاسی - عقیدتی است. در گروپهای مداوم و در سطح عملیات بزرگ خیبر و بدر که آخرین عملیات بزرگ ایران بوده است تنها باعث کشتار بزرگ سربازان شد. برای عملیات خیبر از دوا بر پیش تدارک ناپسند شده با توجه به تلفات و مخارج سرسام آور و این عملیات فتح جزیره مجنون به یک پیروزی، بلکه شکست بزرگی بود. هدف رژیم گرفتن بهره بردار حمله اول حتی تا تویان بخداست. بهره به پیش رفتند. ارتش عراق نیروهای را که از طرف رفته بودند قتل عام کرد. بسیاری از سربازان و پاسداران در اینها هورا الهویزه غرق شدند و بقیه فرار کردند. جمهوری اسلامی محبوس در جبهه مجنون بسته و محسوس و این پیروزی سرور و راه پادگانها زد. عراق یک ماه و جبهه و جبهه جزیره را کوبید و تلفات فوق العاده ای به نیروی نظامی ایران وارد آورد.

رژیم پس از استقرار در جزیره مجنون درصدد حمله دیگری به آرزوهای کمیته بسیجی، بطور شبانه روزی برای کشیدن جاده های به جزیره کار می کردند. هزینه آن سرسام آور بود. سپس رژیم شروع به کار نال کشی از منطقه "پاسگاه" در نزدیکی دربارین کارهای لشکر ارتش و چندین لشکر از بسیج و سپاه و بعد از نرسد به مبارزات داشتند. فرماندهان نظامی کلیه مرخصیها را لغو کردند و با حمله شدند. اما درست آنهاست قبل از حمله در تویان با بدله و فرات را تویان کاپا سزا زیر گردن نشه رژیم بهم خورد. جمهوری اسلامی به خریدند و دنیا دی قاتیها و هرگز فرات درسد حمله جزیره مجنون برآمد (عملیات بدر) بیش از ۱۴ لشکر و چند تیپ مستقل در آن شرکت داشتند. ابتدا رژیم پیروزی کرد و تویان بهره و بخدا را هم گرفت. پاسدارها و بسیجیها شروع به موتور سواری در آن کردند و لوسی تویان به عراق شروع به کوبیدن گردنیم ساعت بعد تا نگاه و هوا پیمایا عراقی پیدا شدند. بسیاری از بسیجیها با بغرا گذاشتند. بعد از تشبیه بدون فرمان دست به فرار زدند. بنا بگفته عده ای خودبسیار ازی و اکثر فرماندهان بلند پایه هم آنجا بودند. کسه بلافاصله بعد از شروع آتش، بوسیله هلی کوپتر موتور می شدند. عقب نشینی ۲۴ ساعت ادامه داشت. تلفات و وحشتناک بود. تلفات زیاد به لشکرهای تارالله، محمدرضا علیه الله، نجف اشرف، نیروی ویژه شهید، لشکر ۷۷ شورا، تیپهای مستقل سپاه، لشکر ۲۱ حمله ۲۸ هستند. ۷۷ خراسان، قزوین و هوا زوارند. آمد. این عملیات در میان سربازان "فرار بزرگ نام گرفت". این فرار بقدری بزرگ بود که اکثر فرماندهان عالی رتبه از یکجا تشبیه از یکجا تشبیه وسیعی می کردند. سربازان مقبولانند که شما فرار نکنید بلکه عقب نشینی کرده اید. سربازان با خم و تفسیر به این دروغ با بیفکوش می دادند آنها خودشان می دانستند چرا فرار کرده اند. آنها از جنگ خسته و متفرند. هیچ انگیزه ای برای جنگیدن ندارند. نمی خواهند بطور رژیم ارتجاعی و مدافع سرما به داران کشته شوند. آنها صلح می خواهند.

کلیه افراد گروهها علیه غمطمینان از عدم تعقیب با بدبطور منظم در طول هفته و ماه چند حرکت برنا می ریزی شده برای کشف تعقیب های احتمالی انجام دهنده. گروه با بدیدر هر لحظه معین صدرمدان زمین آلودگی با عدم آلودگی افراد خود به ردهای تعقیب بتوانند اطلاعات مشخص داشته و تویان رشتنی را به دهد. تنها با اجرای عملیات فذ تعقیب در ارتباطات سازمانی نمی توان اطمینان کافی از عدم آلودگی گروه به ردهای تعقیب بدست آورد. علاوه بر این لازم است که اعضاء و خصوصاً مسئولین گروه تعقیب در چارچوب حرکات عادی غیر سازمانی خود برنا به های معینی را برای کشف تعقیب های احتمالی طرح و اجرا کنند. بطور ما هانه حداقل یک تا چند بار این برنا به اجرا شود. مسئولین گروهها در اجرای این برنا به ها می توانن از کوی که یک شیوه بسیار موثر کشف تعقیب می باشد استفاده کنند. همچنین گروهی که احساس می کنند آلودگی جدی در آن وجود دارد، باید سعی کنند با استفاده از برنا به ریزی حرکات اغافی و استفاده حتمی از کوی میزان آلودگی و سایرین در ها را رسپا و بطور ضربتی مشخص کرده و سپس اقدامات لازم را برای مقابله بعمل آورند. این اقدامات بخصوص در سطح رهبری گروه باید صورت گیرد.

مواضع مشکوک مشاهده نمایند، باید مسئولین گروه، فرار همزمان دسته جمعی و یا فرار تدریجی افراد در راه را مورد بررسی قرار داده و بر حسب اهمیت مسئولیت تک تک رفا، اطلاعات آنها و مکانات موجود و سوز و زاریان هر یک از دوش را بررسی و یکی از آنها را انتخاب کنند.

۴ - سرخ ردها با بدیدر اولین فرمت مورد بررسی موشکافانه قرار گرفته و روشن شود که آیا ردها زکا پیدا شده و حدود سرایت احتمالی آن تا چه حد است. بعد از مشخص شدن احتمالی آن، باید کلیه اقدامات ضروری را قطع در بعمل آید. ردگیری می توان عملهای مختلفی از قبیل نفوذ عنصر پلیس، در زور کردن اطلاعات از زندان، شناسایی تصادفی، استفاده از تلقین ها، آرزوها و مکانات قبلا آلوده و... صورت گرفته باشد. بعد از جمع بندی علل، نوصف و تجربیات و اطلاعات بدست آمده، در جریان کشف و پاک کردن ردها و... باید نکات مفید را به اطلاع اعضاء گروه رسانده و آنها را به تجارب و اطلاعات جدید تجهیز کرد.

برقراری سیستم کنترل اغافی



بلوچستان از جمله مناطقی است که در آن چهره کریمه رژیم ولایت فقیه با تمام پلیدی اش به نمایش درآمده است.

بر اثر شرایطی که رژیم در این منطقه فقیرانه ایجاد کرده است، زحمتکشان بلوچ همچون سون برداران و خواهران زحمتکش غیر بلوچ خودتوسط کارفرمایان وحشیانه استثمار میشوند. کمترین دستمزدها حتی در بلوچستان به کارگران بلوچ پرداخت می شود. دهقانان بلوچ از مشکل کم آبی و عدم دسترسی به امکانات و ابزار اولیه کشاورزی و تولید در رنجند و حکومت خمینی در این خصوص حتی طرح های نیمه کاره گذشته نظیر پروژه "سد پیشین" را رها کرده است. رژیم با تشکیل کمیته صادرات استان " که بدست مفتی سرمایه دار زانو صفت اداره میشود، شرایط لازم را بسطری غارتگری بیشتر تجار بزرگ و متکبران فراهم آورده تا اینها با خرید بسیار ارزان محصولات کشاورزی از دهقانان فقیر سیستان و بلوچستان، آنها را خانه خرابتر و تنگدست تر کنند.

سیاستهای ما جرابویانه و جنگ طلبانه رژیم اهمیت می یابد. انظر رژیم سیستان و بلوچستان همچنین با یگانه علیه انقلاب مردمی افغانستان است. رژیم علیرغم خواسته و تمایلات مسردم این خطه، بلوچستان را به جولانگاه فداقلایین افغانی بدل کرده و به یک مرکز تحریک و تجسار و نظامی علیه افغانستان دیموکراتیک تبدیل نموده است. در حال حاضر نزدیک به سیصد هزار نفر سراز افغانی های فریب خورده در اردوگاه های مخصوص بسر می برند و رژیم مانع از بازگشت این قبیل آوارگان به وطن باثی شان است. دهها بائیسند

بلوچستان را پیش کشفیده است، هم اکنون بخشی از افراش رادروکوههای " شیرواز" پاکستان و نزدیک مرزهای ایران مستقر کرده و تحت نظارت مستشاران عراقی آنها را آموزش نظامی می دهد. اما مبارزات خلق بلوچ علیرغم این دسیسهها در راه آماج های ملی و دموکراتیک در حال گسترش است. جنایات ۷ ساله رژیم در بلوچستان نتوانسته روی دست و جنایت رژیم منقور شاه پرده سائستر بیافکند. به سمن وجود نیروهای انقلابی و ملی فعال در این منطقه از میهنان، سلطنت طلبان نتوانسته اند در مسیر اهداف فدا انقلابی خود خلق بلوچ را به کج راه بکشند.

آنچه در بلوچستان ستمدیده میگذرد

اکنون آگای توده های بلوچ در جهت پائسان بخشیدن به فلاکت اقتصادی - اجتماعی و ستم ملی مدام در حال ارتقاء است. آنها به تجربه در می یابند که برای نابودی ستم اجتماعی و ملی باید در اتحاد با دیگر خلقهای ساکن کشور علیه رژیم ظلم و جور خمینی بیکار نکنند. مبارزه عادلانه خلق بلوچ برای خودمختاری بلوچستان در ایران مستقل و آزاد، ایرانی را فرغ از هرگونه ستم اجتماعی و نفاق و رفتار ملی، رویه گسترش است و با گذشت هر روز دامنه و عمق فعالیت نیروهای انقلابی سراروی و ملی در بلوچستان توسعه و زرفای بیشتری به خود می گیرد.

دمکشی و جنایتکار خد افغانی در بلوچستان اسکان داده شده اند که از پشتیبانی همه جانبه مالی و تسلیحاتی رژیم خمینی برخوردارند. سوغاتی این باند ها چیزی جز بخش وسیع مواد مخدر در همکار با مسئولین ارگانهای حکومتی، جز گسترش دزدی و جنایت و غیر از تشدید نا امنی، تصاعد قیمتها و افزایش بیکاری، هیچ چیز دیگری برای مردم سیستان و بلوچستان نبوده است.

رژیم جمهوری اسلامی که فاقد کمترین پایگاه در بلوچستان است، نتوانسته سیاستهای ضد انقلابی و ارتجاعی خود در بلوچستان را که تماما مخاير و منافی منافع، خواست ها و تمایلات خلق بلوچ است، سرکوب و اختناق و خردیدن کثیف ترین و منفورترین افراد محلی قرار داده است. از همین رویه دشمنان شناخته شده " مردم بلوچستان روی آورده و پاره های ازخوانین مزدور، مولویهای خود فروخته و ساوکی را را برای سرکوب خلق بلوچ بخدمت گرفته است. رژیم، ارگانهای سرکوب بشمارای را سازمان داده و تشنه در زاهدان ۱۳ زندان بوجود آورده است. نیروهای نظامی و انتظامی و سببی را در منطقه مستقر نموده که اکثریت مطلق پرسنل آنها را افراد بلوچ تشکیل میدهند. اخیرا نیز ارگان سرکوب جدیدی متشکل از زاهدای بیکار فقر زده و ناآگاه بومسی با عنوان " لشکر محمد رسول الله" ایجاد گردیده است.

برزمینه این سیاستهای ضد مردمی خمینی، سلطنت طلبان فضای رشد خود را به اصطلاح مساعد یافته و به فعالیت های ضد انقلابی شان شدت بخشیده اند. سلطنت طلبان با تدویر و توسعه " وحدت بلوچ" را با رهبری جدیدی متشکل از زاهدان دشمنان قلم خورده و سرشناس خلق بلوچ دنیا را حیا نموده و پول و سلاح فراوانی در اختیار آنگان شناخته درکشورهای عربی نیز محالی ضمن حمایت مالی و تسلیحاتی از " سازمان وحدت بلوچ" از یک بانسد ساخته و پرداخته رژیم عراق بنام " سازمان آزادیبخش بلوچستان" و به رهبری سرسپرده معروف " جما خان" پشتیبانی میکنند. این باند که شمار تجزیه بلوچستان و استقرار جمهوری اسلامی

بلوچ به حقوق برحق خویش و سازمانگری مبارزه انقلابی و ملی در این منطقه با عزمی استوار می ززند، پشتیبانی سازمان ما از مبارزات نیروهای ترقیخواه، انقلابی و دمکرات بلوچ و استقبال از اتحاد رزمجویانه با آنان جز " انفکاک نا پذیر خط مشی اصولی ما برای رهائی ملی و اجتماعی خلقهای ایران میباشد. حضور " سازمان جنبش خلق بلوچ ایران" (بلوچ و راج و زرمیستش) در صحنه مبارزه خلقی نشاندهای گسترش جنبش ملی دموکراتیک خلق بلوچ است. این سازمان که آماج اصلی خود را مبارزه در راه " خودمختاری بلوچستان در ایران آزاد و دموکراتیک" اعلام کرده است، در راه سازمانگری بیکار ملی خلق بلوچ میکوشد و دستیابی به اتحاد رزمجویانصالحا حزب و سازمانهای انقلابی و ترقیخواه ایران را از جمله اهداف خود اعلام کرده است.

ما با ردیگر تاکیدی کنیم که اتحاد احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک کشور تنها فاسمن پیروزی قطعی خلقهای سرکشور بر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی است. فراخوان و برنامه همه جبهه متحد خلق موب پلنوم مهرا ۶۳ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و بیانه مشترک کمیته مرکزی سازمان ما و کمیته مرکزی حزب توده ایران راه پیروزی جنبش انقلابی مردم ایران را ارشاد کرده است.

بدون تردید دیر نیست آن روزی که همه نیروی اتحاد خلقهای میهنان سرکشور رژیم جمهوری اسلامی را پیروز مینداند جشن گیریم و درفش رهاپی ملی و اجتماعی را در سراسر کشور به اهتزاز در آوریم.

ورشکستگی و مهاجرت دهقانان

آمار ارائه شده از سوی خبرنگاران اعزامی در مورد میزان مهاجرت روستاییان از ده روستا که در زیر ملاحظه می کنید، بطرز گویایی نشان میدهد که در شرایطی که در دهقانان و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی روستاهای میهن ما به ویرانه مبدل شده و مهاجرت روستاییان به شهرها بطور فزاینده ای گسترش یافته است. (اطلاعات ۲۸ مهر ۶۴):

- در روستای علی آباد تنها چهار خانوار باقی مانده اند.
- در روستای دزک ۸۵ درصد اهالی کوچ کرده اند.
- در آقچه دام تنها ۲ خانوار از ۱۵۰ خانوار باقی مانده اند.
- ۷۵ درصد اهالی روستای قره آغاج به شهرها رفته اند.
- در روستای آبشار محمد تنها ۲ خانوار زندگی می کنند.
- در چنار سفلی ۸۰ درصد اهالی مهاجرت کرده اند.
- در قارسیقلان بیش از پنجاه خانوار کسی باقی نمانده است.
- "ولی جانلو" از چندین سال قبل خالی شده است. و خلج آباد نیز خالی از سکنه شده است.
- در روستای جاده برف از ۹۰ خانوار تنها ۲۰ خانوار باقی مانده اند.

امروزه روستاهای روستایی بطور عمده شکل های حکومتی هستند که از بلایه روستاییان تحمیل شده اند. اعضای شورا های روستایی غالباً بطور مستقیم توسط ارگانهای گوناگون حکومتی و بسا تا بید مافات تا منشیی محلی انتخاب می شوند. نقش مردم در این شوراها بسیار ناچیز است. و ارتباط چندان بین شورا و مردم روستا وجود ندارد " شوراها" غالباً به ابزار اعمال حکومت در روستاها مبدل شده اند. شوراها که نقش کدخداهای سابق و گساره "خانه انصاف" زمان شاه را بازی می کنند. ماهیت اینگونه شوراها روز بروز برای تعداد بیشتری از روستاییان آشکار شده و آنها در جهت افشاء و مقابله با اینگونه شوراها به تشکیل مختلف مبارزه می کنند. اعتراض روستاییان برز - جنبه شورای تحمیلی دشمنان تنها نمونه ای از این اعتراضات است. این امر حاکی از اینست که نیز هست که رژیم علیرغم تلاشهای ضد مردمی اش، تاکنون نتوانسته است شورا های حکومتی را به عنوان شورا های مردمی جا بزند. دهقانان را به اینگونه شوراها، بعنوان شورا های تحمیلی می نگردند و آنها را از ان خود نمی دانند. روستاییان میهن ما بتدریج در می یابند که جمهوری اسلامی دشمن آنها و دشمن کلیه زحمتکشان میهن ما است. آنها بتدریج در می یابند که چنانچه ارگانهای سرکوب رژیم حامی بزرگ مالکان در روستا، جدا از جنایاتی نیست که جمهوری اسلامی در سرتاسر ایران انجام می دهد.

آنها بیش از پیش به ضرورت حمایت از شورا های انتخابیشان و نیز ایجاد اتحادیه های دهقانی پی برده و در جهت عملی ساختن آنها کام بر می دارند.

مقابله دهقانان با شوراهای فرمایشی

ایستادگی دهقانان در برابر شورا های فرمایشی و تحمیلی رژیم افزایش می یابد. این مسائله تا آنجا پیش رفته که در روزنامه های حکومتی نیسیز مجبور به انعکاس آن می شوند و خود به خود سیاست رژیم می بردارد. مثلا چندی پیش اعتراض کارکنان از اهالی روستای بزرگچین واقع در اطراف تاکستان قزوین در روزنامه اطلاعات منعکس شده که می گویند: "مسئولین محلی به کارهای ما رسیدگی نمی کنند. اصلا این آقایان به حرفهای ما ارزشی قائل نیستند. ما اینجا شورا ای دیم انتخاب کردیم بعد از فرمانداری آمدند همه آنها را برکنار کردند و خود چند نفر را به جای آنها گماردند. اگر قرار می شد فرمانداری اعفای شورا ای دیم را انتخاب کنند چه نیازی به انتخابات ما هست." (اطلاعات ۲۸ مهر ۶۴).

گسترش نارضایتی دهقانان در میهن ما که از سیاستهای ضد دهقانی رژیم به تنگ آمده اند، جمهوری اسلامی را به تنگنا و انداخته است. رژیم حامی بزرگ مالکان از مبارزه متشکل دهقانان زحمتکش می ترسد و به عنوان مختلف به مقابله با شکل های دهقانان می پردازد. رژیم می کوشد تا در روستا های کشور شورا های حکومتی را می تواند گسترش دهد و آنها را به ابزار خود برای کنترل و مقابله با مبارزات دهقانان مبدل سازد. به این جهت است که رژیم اکثر شورا های مردمی روستایی را منحل کرده، بسیاری از اعضای فعال و مبارزان اینگونه شوراها را روانه زندانها نموده و در مقابل به ایجاد شورا های فرمایشی پرداخته است.

دهقانان مبارز! بزرگ مالکان را به روستاها راه ندهید!

آزادگی و رزم رفیق شهید محمد امین شیرخانی

مسئول سازمان ایالتی کردستان

رفیق محمد امین شیرخانی کادر برجسته سازمان و انقلابی قهرمان گردید بعد از سالها تحمل شکنجه‌های وحشیانه بدست دژخیمان رژیم فاسد مردمی و استبدادی جمهوری اسلامی در آخرین روزهای شهریورماه تبریران شد.

رفیق محمد امین شیرخانی که در سازمان ما به رفیق "مینه" مشهور بود، در سال ۱۳۴۱ در بزرگ خانواده زحمتکش روستای آروستا های اطلسراف بوکان به دنیا آمد، او دوران دبیرستان خود را در شهر بوکان به پایان رساند. این دروازه‌مخالف با سالیهای پر درد ورنج ۴۷ - ۴۶ بود که مبارزات مسلحانه را در این منطقه در پی داشت.

مبارزات شریف زاده، مبعیتی و ملا آواره از رهبران جنبش خلق کرد علیه حکومت وابسته به آمریکا لایم شاه، تاثیر زیادی در پرورش روحیه انقلابی او گاهای سیاسی رفیق مینه گذاشت. رفیق مینه سال ۵۰ وارد دانشگاه کشاورزی ارومیه شد. سالهای ۵۱ - ۵۰ از یکسو مصادف با گسترش فعالیت انقلابی سازمان ما، و از دیگر سو مصادف با گسترش جنبش دانشجویی در ارومیه دانستیم. دانشگاههای ایران بود. رفیق مینه که عشقی بی پایان به کارگران و زحمتکشان داشت و از ستم ملی و طبقاتی بر خلق کرد رنج می برد با تمام توانش در جنبش دانشجویی شرکت کرد و بزودی به یکی از رهبران جنبش دانشجویی در ارومیه تبدیل شد. رفیق مینه در سال ۵۲ به همراه چند تن از همزمانانش توسط ساواک رژیم در ارومیه دستگیر و تحت بازجویی شدید قرار گرفت. اما جسدان ساواک نتوانستند از او اطلاعاتی بگیرند و به همین خاطر وی را به شکنجه گاه اوین فرستادند.

جلادان اوین نیز با اینکه رفیق را ماهمبارد سلولهای انفرادی نگهداشتند و به آزار و اذیت پرداختند، نتوانستند کلمه ای از زبان او در مورد فعالیتهاش بشنوند. در نتیجه بعد از دو سال اسارت، از زندان آزاد شد. رفیق شیرخانی مجدداً در سال ۵۶ دستگیر گردید. اما با او جکیری قیام توده‌های خلق و شکستن درهای زندان، او نیز پیمان هزاران زندانی سیاسی دیگر آزاد گردید و بلافاصله مبارزه خود را در سنگر سازمان ادامه داد. رفیق شیرخانی در سازماندهی اعضا، و نظاهرات مردم بوکان و دیگر شهرهای کردستان شمالی نقش برجسته ای داشت. او بخاطر صداقت و صمیمیت و بیگربیش در دفاع از منافع ملی و طبقاتی خلق کرد محبوبیت زیادی کسب کرد.

رفیق مینه بعد از انقلاب نیز لحظه ای از مبارزه در راه رهایی طبقه کارگر و رنجبران کشور ما و در راه رفیق ستم ملی بر خلق کرد و دیگر خلقهای ایران باز ناپیستا.

بعد از جنگ اول کردستان رفیق مینه به عنوان نماینده سازمان ما در هیات نمایندگی خلق کرد شرکت کرد و یکی از موثرترین چهره های

این هیئت بود. خلق کرد دفاع قهرمانانه ایسن فرزند خلق خود را هرگز فراموش نخواهد کرد.

رفیق محمد امین شیرخانی از بنیان گذاران دفتر سازمان در بوکان بود و از آغاز تأسیس این دفتر یکی از مسئولین آن بود. رفیق مینه از آن زمان در دست و پا می خورد. مسئول سازمان ایالتی کردستان انجام وظیفه کرد و تقریباً یکسال قبل از اسارت، مسئول سازمان ایالتی کردستان شد. این مسئولیت بسیار سنگین بدلیل شایستگی های بسیار زیاد رفیق برعهده او گذاشته شد و به نفع سازمان نیز از عهده انجام آن برآمد.

رفیق برجسته ما در سال ۶۱ بدنبال یک ما موریت خطیر سازمانی توسط مزدوران رژیم در کردستان دستگیر شد. جلادان رژیم رفیق شیرخانی را مدتی در زندانهای ارومیه و تبریز نگهداشتند و سپس روانه شکنجه گاه اوین (بند ۳۰۰۰) کردند. از آنجا نیز برای مدتی به زندان گور-دشت (رجایی) منتقل شد و پس از چندی مجدداً به اسارتگاه اوین انتقال یافت. او به مثابه کمیونستی مومن و کردی انقلابی و جنگاور سماج شدیدیترین انتقامجویی های جلادان قرار گرفت. در تمام این مدت، در زمین رژیم اورا به زیر وحشیانه ترین شکنجه ها کشیدند تا شاید بتوانند لبانش را بگشایند و او را در راه راندن سازمان ما، به سنت کبیر کمیونستها و به سنن سازمانش

با بپند ماند و چون همزمان فدائی خودفدائی وار دژخیمان رژیم را تا کام گذاشت و کلمه ای بر زبان جاری ساخت و اسرار سازمانی خود را که اسرار خلق است، حفظ کرد. بدین ترتیب قهرمان فروتن ما مثل هزاران هم آزمان و هم رزم خود در ایران و جهان دیگر بار نشان داد که کمیونستها چگونه با خصم مرتجع رویا روی می شوند، چگونه الماس ایمان سرخشان، تا ناپیاسته های سیاه دشمن را از هم میگسند و چگونه با تحقیر رنج و مرگ ارتجاع را تحقیر میکنند و از درون سلولهای شکنجه به بلندترین جایگاه افتخار گردن میاگزاند.

رفیق مینه طی مدتی که در اسارتگاههای رژیم بود، لحظه ای از تلاش برای برقراری ارتباط با سازمانش باز ناپیستاد. او طی پیمانهای که به طرق مختلف برای سازمان ارسال داشت با تاکید گفت: "من همان مینه سابق هستم". بدینگونه به مختصر ترین شکل اعلام کرد: "من به کمیونسم، به سازمان، به راه سرخ فدائیان به کارگران و رنجبران ایران و همه فقیتهای سرگازستانی وفا دارم و تلاشهای دشمن بجز برای مخدوش کردن سیمای انقلابیون را به شکست کشانده ام. جلادان رژیم خمینی سرانجام رفیق محمد امین شیرخانی را اعدام کردند. برابر اطلاعات

کسب شده آخرین روزهای شهریورماه رفیق رضا غیراشی رفیق محمد امین شیرخانی، رفیق ابراهیم لطف الله زاده (رفیق سعید)، رفیق جهانگیر بهتاجی و عده ای دیگر از رفقا را با هم اعدام کردند. حکام جناپیکار جمهوری اسلامی خیار میکنند که با بخون کشیدن فدائیان خلق، این رزمندگان پیگیر و جانناهار راه رهاشی خلق و این سئوئیس سر فراز مقاومت قهرمانی شکنجه گاهای خمینی قادرند سرنوشت خلقهای بلاکشیده مینما را به بند کشند. اما ندای قهرمانی این فرزندان انقلابی خلق دیوارهای زندانها را می شکند و هر قطره خون سرخ آنان پرچم هزاران رزمنده خلق در اسرار مینما ما خواهد گشت.

ایستادگی و شهادت قهرمانانه رفیق محمد امین شیرخانی، تجلی ایمان استوار و خللناپذیر این فرزندان خلق و دلیل سترگ حقانیت رزم انقلابی و پیروزمندانه بیان خلق است. زندگی و شخصیت پرافتخار او مشحون از زرم انقیابست در پیشاپیش مبارزات خلق کرد، عشق پر شور به خلق خود و تلاش و پویایی و مبارزه ای سختگیرانه برای پیروزی کارگران و رنجبران و رهاشی خلقهای ستم کشیده ایران است. راه رفیق شیرخانی این سبیل عشق و امید و دلیری و رزمندگی خلقی قهرمان کرد را انقلابیون مینما تا پیروزی نهایی خلقهای ایران و فردایی روشن و سعادت بخش ادامه میدهند.

درین شکفتن و درخون نشستنست

جهانگیر، کمیونستی فروتن، سازمانگری توانا

رفیق جهانگیر بهتاجی سیاه گل محله، کماندر برجسته سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همراهِ بارفقای شهید، رفیق محمد رضا غیراشی و مشا و رهبران سیاسی کمیته مرکزی سازمان، رفیق محمد امین شیرخانی مسئول کمیته ایالتی کردستان، رفیق ابراهیم لطف الله زاده کادر قهرمان و پیر سابق سازمان و عده دیگری از رفقای ما، در آخرین روزهای شهریورماه اعدام شدند. رفیق بهتاجی (جهان) با اجرای قهرمانانه تعهدات عقیدتی، سیاسی و سازمانی خود، سرفراز در برابر دشمنان ایستاد و جان خود را سپرد تا سازمان ما، غمی استوار شهادت در راه مینما و مردم را پذیرا گشت.

رفیق جهانگیر بهتاجی سیاه گل محله، سال ۱۳۲۹ در سیاه گل متولد شد. دوران تحصیل در استان و دبیرستان را در تبریز گذراند و در سال ۱۳۴۷ وارد دانشگاه شیراز (در رشته کشاورزی) شد، خیلی زود از چهره های سرشناس مبارزات صنعتی و سیاسی بقیه در صفحه ۱۳

نور مهتاب که بر لبها سپایش می باشد، انگار سراپا سفید پوشیده است. تا بلوغهای زندگیش به سرعت می آید و می گذرد، با گذر در این دمه های آخرین داردهم چیزها جمع می زند.

خوب، از لحظه ای که پای در راه گذاشته ای یک دم نیایستاده ای، یک دم دنیا سوده ای. حال دیگری پیش از ما نرفته سال می شود. به یک تعبیر ما روی سعادت را ندیده ایم، ما ژرف تر که بنگری از مینما خوبت تر کسی سراغ نخواهی گرفت، غمنا و معنویتت را که در این زندگی نهفته است سرخوش که از لحظه لحظه پیروزی ها، نه فقط در اینجا، که در سراسر گیتی به جنگ می آوریم، کشف چشمه های پایان ناپید را در پیمان مینما میسر می سازد. رُضی داردمی رود، ولی خانواده ۸ میلیونی اش راه او را ادامه میدهند، ما برای زندگی بخشیدن تلاش می کنیم و اینان بری میمانند.

سرفراشتگی و گردنفرازی اش با خفت و زبونستی نگهبانها، خرابی و فتنی را ساخته است. ما برای زندگی بخشیدن تلاش می کنیم و اینان برای میمانند. نگاهش و این وین را پشت سرمی گذارد، دارد تمام شهر را میگرد.

این دمه های صبح، بچه ها دارند چکا می کنند، یک دسته تا به حال دارند اعلامیه و روزنامه را چاپ می کنند.

دسته دیگرشان بسته های اعلامیه و تراکت را می بندند تا برای کارگزارانی که بزرگاری رونند، ببرند. بعضیها نشسته اند می نویسند که در این ماه چه کرده اند چه دیده اند چه گفته اند. دسته بیشتر آرام خوابیده اند تا خورشید که می دسد، دوباره کار را آغاز کنند. برخی هم بی تک و شبیه زیر شلاق ایستاده اند و سخن نمی گویند... ما رفتیم رفقا! بهترین آرزوها و امیدها یمان بدرقه کارتان و راهتان باد.

با یک نفس عمیق هوای تازه و شاداب را با سب

پیراهن سرخ تو...

نمی دانند یک هفته، یک ماه یا بیشتر است که روی این تخت افتاده! بلنگه اش چنان سنگین است و آساس کپشه که دوپهلوان با یاد آنها رازهم جدا کنند. دست پرده را در یک گنج سنگینی بسته اند. چشمهاش که به نور عادت می کند، موقعیتش را تشخیص می دهد.

"هان رُضی! این بار هم خوب آمدی، انگار نا میشدند آنکه دیگر برایشان طعمه ای باشی. مثل اولین بار که دما و ندر آفتخ کردند و او شدند با مینما می آمدند، مثل لحظه ای که از آن بر رُضی بوران و آن نوی گوگرد به آفتاب و رُضی و درخت رسیده بودند، مثل لحظه ای که رُضی شن آسکی" سبکبال بلند می شد، می جست و پایش مینما می آمد و مثل لحظه ای که در رودخانه دست و رویشان را می شستند، احساس رفاقت و سرخوشی می کرد. خنده و بیرونگی روی لبهای قاچ قاچ نشسته است. مثل کودکی که از ما در متولد شده، معصوم و پاک، آسوده و بی خیال به خواب می رود.

پرده های با پایانی نمایش هر کار است، قنای پیی هست که بر تنش بریده اند و دوخته اند. فقط ما ندانیم است که بر او پویا نند. کار تمام است. لذتش بر او در آنجایی است که فهمید، دژخیمان را به زانو در آورده است. در ملاقات پایانی، با اشاره به سرگردش، به ما درس می بیند تا که بهر ایش اسددام بریده اند.

کاروان اسپران را دارند به میهمانی خمون می برند. رُضی جلودار و صفا داردمی آید، مثل سپاوش از آتش به سلامت جسته سرخوش و پیرومند است.

عش حریمانه ای می بلعد، دارد با همه همسرانش خدا حافظی می کند. چهره خندانیش به دیگران دل می دهد. حضورش در اینجا هم ما یه اطمینان و اعتماد است. حالایه مضان کرده اند.

صدای غرش رنگبار رگلوله ها، فربا نشان از خیه ها عبوری کند و ما شهر می پویا نند. موجی از خون به صورتش را می پاشد. سکوت. خاک از زمین بلند شده.

در همه خانه های شهریچه های شیرخوار از خواب بر خاسته اند و گریه می کنند. ما در نشان هم را سنا پیدا ر شده اند. بچه ها آرام نمی گیرند. جنسان با بغض گریه می کنند که انگار رگلوله ها به قلب سب کوپکشان فرورفته است.

با زهم غرش رنگبار رگلوله ها، سکوت و سپس شلیک تک به تک گلوله ها است که می آید. این بیره زن کیست که دستهای چروکیده اش را بر سینه گرفته و شانه های استخوانی اش از حق گریه، تک می خورد.

مرگ مذبحوا نه برق امت عزیز، تا ن خیمه زده است، صداها دارد تپه را از هم می شکافند، صدا را دیگر نمی توانند مثل جدهای سوراخ سوراخان در خاک بینشان کنند.

گورهای بی نام و نشان در گداها اند تا مردم بجز قهرمانان خویش تعظیم برند.

آرام باش رفیق! پیراهن سرخ تو را برمی افرازم. آنها هر روز تو را می کشند. آنها هر روز خون تو را پاک می شویند. آنها ما نمی دانند، پیراهن سرخ تو تن به تن در میان ما خواهد گشت.

یاد فداایی قهرمان بیژن مجلد نوبری

فدایی خلق رفیق بیژن مجلد نوبری، مبارز پرتوان و سزاوار که در مقابل شکنجه‌های طاقت‌فرسای رژیم جنایتکاران، استوار ایستاد و آرامش خویش دفاع کرد در زیر شکنجه‌های دشمنان خمینیست جلادیه شهادت رسیده است. جلادان اوین در مقابل اراده پولادین و عزم استوار رفیق بیژن تحقیر شدند و ددمنشان به استنطاق مجوی برخاستند، دشمنان در تمام دوران استارتا، مانع از آن شدند که مقادیر و امت و ایستادگی و شکنجه‌های ددمنشان‌های که بر او روا داشتند، اشکها سر پا بماند. رفیق نوبری بارها در آستانه مرگ قرار گرفت و سرانجام نیز سزای فریب‌ناپذیر و ایستادگی و سزاوار زمانه خود را قهرمانانه شهادت داد.

رژیم جنایتکاران در هر سال از گسترش امواج نیرومند جنبش توده‌ای و قدرت فزاینده فداییان خلق و به امید حفظ پایه‌های حکومت سنگین خود دیوانه‌وار فرزندان زحمتکش و قهرمان خلق را می‌گیرد، شکنجه می‌کند و مخفیانه به شهادت می‌رساند. اما مبارزه به پیش می‌رود و این رژیم تشنه مرگ خویش را نزدیک ترمی کند.

فدایی خورشید رفیق بیژن مجلد نوبری (رفیق علی‌رضا) که در برجسته و پربا بقه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ۳۰ سال پیش در شهر تبریز در خانواده‌ای مذهبی بدنیا آمد. زندگی و تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در همانجا به پایان رساند و سپس وارد دانشگاه فنی دانشگاه تبریز شد. دانشگاه تبریز در آن دوران تحت تاثیر

بقیه از صفحه ۱۲

جهاگیری، ۱۲ سالگی بود. او در سال ۱۳۵۰ به دلیل همین فعالیت‌ها توسط ساواک شاه دستگیر شد و پس از مدتی به سرپای اعزام گردید. در طول دوره آموزشی در ایستگاه، در مصیبت‌نازنین و رابا جوانان روستایی که هم‌دوره‌اش بودند، برقرار کرد و از سوی دیگر روابط با سایر زندانیان در "مجلسی" که به سرپای فرستاده شده بودند، آموخته‌ها و تجارب سیاسی خود را ارتقا می‌داد. پس از دوره آموزشی او را به هنگ ژاندارمری استان یزد فرستادند. محل خدمت "مهریز" از توابع یزد بود که در ۳۰ کیلومتری آن قرار دارد. روابط مصیبت‌نازینی که رفیق جهاگیری با مردم، جوانان و نوجوانان برقرار کرده، به سرعت او را به چهره محبوب و دوست داشتنی تبدیل نمود. رفیق جهاگیری در همین شرایط با پیشروترین سرپایان و درجداران و وظیفه‌سپاهیان دانش و ترویج در منطقه نیز ارتباطی وسیع برقرار کرده بود. جهاگیری همزمان با این آثار علمی و توده‌ای گسترده، به تکثیر و توزیع آثار و نشریات فداییان خلق و تأمین نیازهای سازمان نیز اقدام می‌کرد.

جهاگیری نیز از میان خدمت وظیفه با دیگر کسب‌کارها ساواک دستگیر شد و بیژن از ۲ ماه زیر شکنجه بود. جلادان او را که می‌دانستند که جهاگیری فعالیت مخفی دارد، ولی موفق به کشف ارتباطات او نشده و مجبور شدند به دلیل فقدان مدارک "آباد" ش کنند. پس از آزادی در تهران، با دیدن او که شش سال از دستگیریش ۳۰ ماه زندانی بود، بعد از این دستگیری‌های بی‌دری و کنترل شدید پلیس در شیراز ترجیح داد که به دانشگاه علوم دانشگاه تهران منتقل شود. در تهران با چهره‌ای که برای مزدوران رژیم کمتر شناخته شده بود و با کوله‌بار بزرگ تجربه‌ای که در این سالها آموخته بود، دوره‌ی آزمون مبارزه را آغاز کرد. رفیق جهاگیری در این سالها هم فعالیت‌های صنفی و سیاسی و دانشجویی راه‌انداز و رهبری می‌کرد و هم در ارتباط با سازمان فداییان خلق فعالیت می‌کرد. گروهی‌های هوادار سازمان در چندین شهرستان از طریق رفیق جهاگیری "کتاب‌ها، اعلامیه، جزوه و امکانات چاپی دریافت می‌کردند. جهاگیری در همین دوره در خارج از دانشگاه نیز ارتباطی وسیع با کارگران و زحمتکشان داشت. عده زیادی از کارگرانی که بندها از اعضای سازمان فداییان خلق ایران شدند، توسط رفیق جهاگیری فعالیت انقلابی جلب شدند. جهاگیری با مهربانان دانشجویی که به زلالی چشم بود، آنها را یافت می‌کرد و آنان نیز متقابلاً با تمام وجودشان به او اعتماد داشتند. عشق و احترام به انسانهای زحمتکش، آمیختگی با آنان و آموختن از ایشان ویژگی برجسته رفیق جهاگیری در روزهای پس از انقلاب بهمن، رفیق جهاگیری مسئول انتشارات دست‌انداختگان فداییان خلق بود. در آن دوره با توجه به ابعاد وسیع و گسترده تبلیغات عملی سازمان، او مورث انتشارات از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار بود. جهاگیری

مبارزات قهرمانانه فداییان خلق علیه رژیم آمریکا بی‌شمار، محیط سیاسی فعال و پرشوری داشت. بیژن از نخستین سال زندگی دانشجویی به مبارزات صنفی - سیاسی دانشجویان پیوست و در تظاهرات و راهپیمایی‌ها و دانشجویی و انجمن کتابخانه و گروه‌های ورزشی و کوهنوردی فعالانه شرکت کرد. در جریان همین مبارزات با هواداران سازمان آشنا شد، به هم‌رکسید یعنی ایدئولوژی دوران سزای طبقه کارگر گردید و در کانون فداییان خلق جای گرفت. از آن پس بیژن شگفته شد و شور و عشق بی‌پایان با سازمان خود برای جانفشانی در راه پیروزی مردم بی‌مان بست. آن روزها برای بیژن روزهای بزرگی بود.

در پی ضرباتی که سال ۵۴ به سازمان وارد شد رفیق بیژن همراه با رفیق سعید (ابراهیم لطف‌الله) برای پرشور نمودن فعالیت خود و ایجاد در رابطه تنگاتنگ با سازمان اقدام به تشکیل گروه می‌کنند. این گروه از مدتی قبل به صورت یک محفل انقلابی در هدایت اعتمادات دانشجویی دانشگاه تبریز نقش فعالی را ایفا کرده بود. گروه در طی فعالیت خود بسیاری از آثار سازمان را تکثیر و پخش کرد. در این موقع رفیق بیژن، همزمان تصمیم می‌گیرند برای بالابردن قابلیت‌های انقلابی خویش به مسافرت به تبریز.

پس از چندین رفیق بیژن نوبری همراه رفیق شهید ابراهیم لطف‌الله (زرفیق سعید) که خیر شهادت او نیز در همین شماره کار اعلام شده است، در دودخوردگان ایران و پیوستن به جنبش و فعالیت فلسطینی‌ها آمدند. بیژن برای تهیه پول مدتی را به کارهای سخت و طاقت‌فرسا گذراند. هرکاری پیش می‌آمد می‌شد، هر دو رفیق در اواخر سال ۱۳۵۵ مخفیانه

ای همسفر که قصه عشقت پایدار

تنها با یستی امروزه راه‌دایت می‌کرد، بل‌کس با دیدن برای آینده نیز تدارک می‌دید. با یسور او با نشان رژیم به ستا سازمان، امکانات انتشاراتی با دیده اشکال نوینی سازمان داده می‌شد. رفیق جهاگیری با تمام توانش به میدان آمده بود. با استفاده از پوشش‌های علمی، امکانات گسترده کتاب، چاپ و توزیع برای سازمان ایجاد می‌کرد. مکان‌های مخفی را تدارک می‌دید، ارتباطات جدید را سازمان می‌داد. همه اینکارها و فعالیت‌ها با شرف و به کار گرفته بود. از کوچکترین پشتوانه‌ها هم برای گسترش امکانات و ایجاد مکان‌های ذخیره استفاده می‌کرد. برای منی نداشت که بگویند به دلیل نبود "مکان" کاری انجام می‌شود. می‌رفت، هیچ مشکلی نبود، می‌ساخت و کار را پیش می‌برد. هیچ مشکلی نبود که دست او آسان نشود.

در امور جاری، او در فراوانی پیش‌آمد که محلی به دلایل امنیتی آسیب‌دیده یا کاری متوقف می‌شد، در این شرایط جهاگیری با اعتماد به نفس و روحیه امیدوار و روحیه شاشش، کلید حل مشکلات بود. با خوشرویی و کارایی که داشت ابتدا با تسلط، مسأله را تجزیه و تحلیل می‌کرد، همه احتمالات را برای احیا و راه‌اندازی مجدد امور می‌سنجید، سپس با صبر و تهوری که در شخصیتش داشت، خارق العاده ترین و ظریف ترین چاره‌ها را می‌جست.

همه اینها بی‌که بار رفیق "جها" کار کرده‌اند، از آن دارنده رفیق جهاگیری تنها یک مسئول برای آنان نبود، جهاگیری نزدیک ترین دوست و محرم اشرار نیز بود. رفیق "جها" با اعتمادی که در آنجا داشت، مطابق ظرفیت‌ها و استعدادشان به آنها وظیفه انقلابی می‌سپرد. روی قابلیت‌ها و نکات مثبت شخصیت همزمان دست می‌گذاشت و همین‌ها را ارتقا می‌داد. این توانایی محصول سالها ارتباط تنگاتنگ و زندگی با مردم بود. در زندگی خصوصی‌اش نیز برجسته بود. او با تمام اقوام دور و نزدیکش روابط گرم و مصیبت‌نازین داشت. خاتوا که کوچک با همسر تنها فرزندش روزبه‌کاتون گرم زندگی بود.

تابستان ۱۳۶۲، به دنبال گزارش ددمنشان به شایسته‌های جمهوری اسلامی که کمونیست‌های ایران، رفیق جهاگیری به‌تای شیزد دستگیر شد، جلادان اوین که از نقش و مسئولیت‌ها ساواک خبر شده بودند، برای کسب اطلاعات، به تبریز و حقیقتاً به‌ترین شکنجه‌های کما نیدند. اما حتی موفق به دسترسی به یک امکان کوچک هم نشدند. جهاگیری با اعتماد عمیق به آرمانش، اعتماد همه‌جانبه به سازمانش و تکیه بر شخصیت استوار و والای خود، قهرمانانه مقاومت کرد و سرارشان را نداشت. رفیق جهاگیری، در زندان نیز با مصیبت و مهربانی مردم دوستی بیکرانش، اثرات فوق العاده مثبتی میان تنگنارانش جای گذاشت. جلادان رژیم پس از آنکه از کسب اطلاعات و درهم شکستن رفیق جهاگیری ناامید شدند، با خشم و کینه‌ای

از ایران خارج شدند و در لبنان به "جبهه‌خلاق برای آزادی فلسطین" به رهبری دکتر زورجیشت پیوستند. رفیق علی‌رضا - فلسطینی‌ها او را به این نام می‌شناختند - طی فعالیت خود در جبهه‌خلاق برای آزادی فلسطین "و در جریان درگیری‌های طولانی بین اهل‌لذنه و انقلابیون لبنان، فلسطینی آموزشهای نظامی شایسته‌ای کسب کرد. آوازه علی‌رضا بدلیل توانایی‌ها و مهارتی که از خود نشان داد، عشق و ایمان عمیقی که به مبارزه و مردم داشت و نفرتش از دشمنانی که کیلومترها دورتر از کشور خود با آنها می‌جنگید، در میان رزمندگان فلسطینی و مردم جنوب لبنان پیچید. شهادت شجاعانه و قاطعیت رفیق بیژن در تبریز دهم برای همه رزمندگان نشونه شد. علی‌رضا به یکی از سازمانگران برجسته نیروی نظامی در منطقه جنوب لبنان نام علی‌اشکران اسرائیلی و اهل‌لذنه‌ای لبنانی بدل گردید.

علیرضا خلعتی لبنان و فلسطینی‌ها همانا نقدر دوست داشت که خلعتی میهنش را، او پیوند مردم ایران را با مردم لبنان و فلسطین استوارتر کرد. علی‌رضا همبستگی فداییان خلق و رزمندگان انقلابی فلسطینی را مستحکم تر ساخت. او مصیبت‌نازینی انترناسیونالیست بود، برای او جبهه‌نبرد علیه امپریالیسم و ارتجاع مکان خاص نداشت. انقلاب به نزدیک شد، علی‌رضا برای بازگشت به ایران دیگر آرام نداشت. می‌خواست در مبارزات مردم میهنش برای سرنگونی رژیم شاهنشاهی بی‌شک و زاری سهمی باشد. اما بدلیل مسئولیت‌های حساس در لبنان "جبهه‌خلاق برای آزادی فلسطین" از او خواست که در این جبهه باقی‌ماند.

رفیق بیژن سرانجام پس از قیام به ایران بازگشت و در تبریز - شهرزادگان - به مسئول سازمان نش پیوست. او در سازمان ندهی کارگران و بریدن ایده‌های انقلابی به درون آنان فعالیت‌های شمریخی انجام داد. و خیلی زود بین کارگران و زحمتکشان تبریزی محبوب شد.

رفیق بیژن در سازمان یک رشته وظایف خطیر و بسیار حساس برعهده داشت که انجام هر یک از آنها نیازمند کارآزموده و آزموده‌ای چون او بود. رژیم جهاگیری که به موقعیت‌های حساس و پرباه برده بود، به طرق گوناگون در صدد برودن و سرسبه نیست کردن وی بود. سرانجام طرح یکی از کمپانته‌های تهریز به اجراء آمد و رفیق بیژن در سال ۵۸ مخفیانه می‌گردد. رژیم که تصمیم داشت اطلاعات مهم و سری او را کشف کند، او را به شهادت رساند، در روز - نامه‌های دولتی اعلام داشت که بیژن نوبری به دست مأموران امنیتی اسیر شده است. دو خیمه‌ان او را به یک زندان مخفی در تهران انتقال دادند و به زیر شکنجه کشیدند. ولی او با طرح یک نقشه زیرکانه توانست قهرمانانه از چنگ آنان بگریزد و ناگهان در سازمان، روزنامه کار در آن زمان این جنایت رژیم را افشاء و رسوا ساخت. رفیق نوبری پس از فرار، مسئولیت‌های مهم سازمان‌های سیاسی اعطیه را در شوبان ترمی فولادین موفق تر از پیش به انجام آنها پرداخت.

در فروردین ماه سال ۶۱، پاسداران مجدداً او را دستگیر کردند. دو خیمه‌ان برای استقامت و مصیبتی و کسب اطلاعات او را به زیر شکنجه کشیدند. اما پاسدار جنگال خوین شهبکاران رژیم دیگر با رسمیت باک و انسانی خود را، با کثرت و همبستگی ساخت. ایمن شگرفی که در طی سالها مبارزه به خاطر رها بی مردم قهره قطره زهر خورده‌اش جای گرفته بود، دو خیمه‌ان را با یوس و زبون ساخت. جلادان با همه شلاق خود را بر تن خون‌آلود او زدودند. می‌خواستند هر طور شده از وظایف حساسی که برعهده وی بسود، اطلاعاتی کسب کنند. رژیم این بار هم کوشید بیژن را در سکوت سربه نیست کند. با رها خیمه‌ان شینا دوی اشاعه یافت. با زخمی رسیدگی شدیدا زیر شکنجه است. رهبری سازمان بطور دقیق این نقشه را تعقیب می‌کرد و می‌کوشید تا مقاصد حکومت‌آبخشی سازمان، سرانجام اطلاع دقیق کسب شد که رژیم ارتجاع ازین زهر خورده‌اریخته و چنبد ماه پیش بیژن را به شهادت رساند.

امروز هم مردم خیرشهادت قهرمانی را می‌شنوند که قلبش جز برای بهروری آنان نمی‌تپید. کارگران تبریز و تهران، و هزاران آواره فلسطینی می‌شنوند که رژیم خمینی قلب پریشانی مدافع دلاوران را آماج گلوله کرده است. نفرت از این رژیم با زهم دامنه بیشتری می‌یابد و مردم این رژیم با زهم نزدیک ترمی شود.

نام پاک و خون سرخ رفیق بیژن سلاح دیگری است در دست فداییان خلق.

حیوانی اعدام می‌کردند. فدایی خلق جهاگیری به‌تای را تیرباران کردند. اما میراث انقلابی او که در تاریخ زمانش تجسم یافته است، تا بود شدنی نیست. کمونیست قهرمان ما در قلب رفقاییش و در قلب مردم بی‌خاشته میهنش جا دارد. دشمنان او قاتلین او تا بود خواهند. میهن او آب‌سار و کارگران و رنجبرانی که اینهمه در اهلان رژیم از آذخوار هندی‌اشد و آرمان او پیروزخواهد گشت.

چهلمین سالگرد قیام مردمی ۲۱ آذر

چهل سال از قیام ۲۱ آذر ۱۳۲۴ مردم آذربایجان می گذرد. در تاریخ یکشنبه مورخه ۲۱ آذر ۱۳۲۴ مردم آذربایجان جنبش مردم زحمتکش آذربایجان علیه حکومت مستکبر شاه و امپریالیسم شیت است. در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ به خواست مردم آذربایجان و با تصویب نمایندگان مجلس ملی آذربایجان، حکومت ملی مردمی در این خطه از کشور برپا گردید.

در پی سقوط رضاخان و مسافرتش به اروپا، نیروهای مترقی مردمی و روشنفکران آذربایجان، در آن زمان در پی حقوق برحق خویش با یکدیگر متحد شدند و با تشکیل کمیته ملی آذربایجان، در پی برپا کردن حکومت ملی خود در آن خطه بودند. در پی تلاشهای خودشان، هیأت حاکمه را به شدت نگران و وحشت زده نمود. از واسطه کمال ۱۳۲۴ ارتجاع و هجوم و حشیا نه خود علیه نهضت کارگری و دموکراتیک را شدت داد. در آن زمان روزنامه «آذربایجان» نوشت: «بسیار آندکده در ایسرا ن یک دولت نیرومند ارتجاعی بوجود آورند و مردم آذربایجان را به دست سیاستمداران لندن بسپارند... مردم آذربایجان نمی توانند به این ماجرا ها با خوشنودی بنگرند»

در چنین شرایطی بود که فرقه دموکرات آذربایجان در ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ تأسیس گردید و بلافاصله اعلام نمود که خلق آذربایجان مصمم است: «در داخل ایران و بشرط حفظ تمامیت ارضی ایران، دارا ده مو داخلی خود را بدست خود بگیرد» و خواستار تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی که در قیام آن اساسی و مشروطیت پیش بینی شده بود، گردید. حکومت وقت به این درخواست مردم آذربایجان جواب منفی داد. از این رو مردم آذربایجان راه اقدام بسیه تشکیل کنگره ملی و سپس مجلس ملی نمودند. در روز ۲۱ آذر سال ۱۳۲۴ مجلس ملی تشکیل گردید و مسئولیت

تشکیل حکومت ملی را به سید جعفر پیشه وری از پیشگانان نسل نخست جنبش کمونیستی ایران سپرد. حکومت ملی آذربایجان که برپا یه پیشتیا نسی ا قشار خلق ایجا دگر دید، برای تحقق شعارها و اهداف جنبش آغا زبکا ر نمود. در ابتدا قانونسوی در مورد دمای دره ارضی خاصه، املاک آریبا بسا ن و فئودالهای بزرگ و وابسته و خاص به خلق را تصویب نمود و این املاک در اختیار ردهقانان فقیرتر قرار گرفت. با نیک فلاحیت، تا سپس شرکت «ماشینهای آبیاری و کشتا وری» تشکیل گردید. کارخانه هسا راه انداخته شد و واحدهای جدید تولیدی افتتاح گردید. قانون کار مترقی تدوین و تصویب شد و کارگران بطور فعال در پی برپا کردن رها شرکت کردند. برای اولین بار در آذربایجان دانشگاه (دانشگاه دولتی آذربایجان) تأسیس شد. زبان آذربایجان نسی همرا ه زبان فارسی به عنوان زبان رسمی اعلام گردید. مدارس گسترش یافت و ۲۲۵ دبستان و ۸۳ دبیرستان جدید دایر گردید. کلاسهای مبارزه با بی سواد ی در سطح گسترده ای راه افتاد. ایستگاه رادیوی تبریز ایجاد شد. برای شکوفایی فرهنگ و هنر آذربایجان «تئاتر دولتی آذربایجان» و «اداره هنرهای زیبا» و «گسترده ملی و فیلارمونی آذربایجان» و «جمعیت شاعران و ادیبان آذربایجان» تأسیس گردید. امور بارزگانی تنظیم شد، توزیع داخلی سوسامان یافت، متحرکان مجازات و خرج و مخارج دربار از ر محدود گردید. شبکه بهداشت و درمان ایجاد شد. علمیه دزدی، فحشاء و لطمه نسی منیا رزه شدیدی بر اه افتاد. اغلب خیابانهای تبریز با کاشیها روزه روزی اسفالت شدند. تبریز قبیل انظران دارای شبکه ابلولسه کشی شد. و برای نخستین بار در تاریخ ایران، زنان با حقوق مساوی در انتخابات مجلس ملی شرکت جستند.

با وجود مشکلات و توطئه ها بی که از جانب امپریالیسم و ارتجاع داخلی تدارک می شد، حکومت ملی آذربایجان توانست در مدت یک سال آنچنان اقداماتی انجام

دهد که حتی به اعتراف نویسندگان غربی در تمام دوره بیست ساله حکومت رضاخان صورت نگرفته بود. با انجام این اقدامات مردم هرچه بیشتر به طرف حکومت ملی روی می آوردند و با شور و شوق بسیار آن همگامی می کردند. وجود «دستجات فدایی» و شرکت گسترده مردم در این دستجات نمونه بارز حماسه بیست مردم حکومت ملی بود.

در نتیجه پیروزی جنبش ۲۱ آذر ابتدا دولت مرکزی دست به عقب نشینی زد و با مذاکرات موافقت نمود. سپس از مسئولین فدائیان خلق خواست تا طولانی با لایحه در ۲۳ خرداد ۱۳۲۵ بین دولت مرکزی و حکومت ملی آذربایجان موافقتنامه رسمی امضاء گردید. اما دیری نپایید که ارتجاع حاکم بر کشور همه تمهیدات خود را زیر پا گذاشت. ارتجاع و عوامل امپریالیسم تمام امکانات تبلیغی خود را در جهت شتمت، افترا و سازشکاری به مبارزان نهضت بکار گرفتند و مبادی عزت را برافتاد مردم زحمتکش آذربایجان علیه ستم ملی و اجتماعی را منور د کینه توزانه ترین حملات قرار دادند.

در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ حملات وحشیانه ارتجاع با تصرف تبریز به نتیجه رسید. حکومت خودی گامه شاه به سرپراری انتقام جویی از مردم آذربایجان به برچینا پتی گسه می توانست دست زد. نیروهای مسلح سرکوبگری گسه بنام نظارت بر انتخابات به آذربایجان گسیل شدند جنبش خلق را سرکوب و در شهرها و روستا ها آذربایجان حاکم خون خواراندا شدند. هزاران تن را کشته و عدا م نمودند. وزندها را از انقلابیون انباشتند.

جنبش شویای آذربایجان که همانند بخشهای از جنبشهای رها بی بخش خلقهای ایران پدیدار شد، ذخایر برجریا ت انقلابی خلقهای ایران را غنی تر ساخت. دستاوردهای قیام ملی آذربایجان جزئی از میراث گرانبهای مبارزات مردم مادرتاریخ معاصر است.

گوشه ای از زندگی زحمتکشان روستا

فقر، بیکاری، کمبود مواد نیاز، شیوع انواع بیماریها، نبود بهداشت درمان، کمبود آب آشامیدنی، مدرسه، حمام و غیره، سیمای روستا میهن ما را به سیمای فقر ورنج مبدل ساخته است.

امروز دیگر وضع زحمتکشان روستا، به حسدی فلاکت بار شده است که مطبوعات حکومتی نیز مجبور به انعکاس گوشه هایی از آن هستند. از جمله روزنامه حکومتی اطلاعات تسلسله گزارشهایی از وضعیت روستاها و روستاییان حومه تا کستان قزوین که درج کرده است که علیرغم اینکه هفت بار آب کشیده شد، ولی باز فاشاکننده سیاستهای ضددهقانی رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی است:

«یکی از اهالی روستای شست سفلی گفت: «اقا ما حتی از زن و بیچه خودمان بجالت می کشیم. آخر تا کی آنها را به امیدفدای بهتر میبندیم؟ ما رژیم آخر زندگی ما دردتا کی؟ (اطلاعات ۲۵ مهر ماه ۶۴).»

«یکی دیگر از اهالی روستای شست سفلی گفت: در روستای ما طی ۲ یا ۳ سال اخیر از ۲۵ خانوار تنها ۱۵۰ تا باقی مانده اند و بقیه از خیرکشان و زوزی گذشته اند و راهی شهرها شده اند. (اطلاعات ۲۸ مهر ۶۴).»

«دانش آموز روستای اهل روستای کوشک گفت: ما هیچ چیز نداریم، ما حتی غذای درست و حسابی نمی خوریم. (اطلاعات ۲۵ مهر ۶۴)»

«یکی از زنان روستای کوشک گفت: وضع بهداشت این منطقه بسیار بد است. تب مالت وجود دارد و اکثر اهالی به خاطر همین بدمای، ۵ ماه از سال را نمی توانند کار کنند، ولی مسئولین در ما نسی کشور تاکنون هیچگونه اقدامی در این زمینه بعمل نیاورده اند. (اطلاعات ۲۵ مهر ۶۴)»

یکی دیگر از اهالی روستای کوشک گفت: تا حال چندین بیماری به علت خرابی جاده در بین راه فوت کرده اند. ما تنها وسیله ای که برای انتقال بیماران به شهرها داریم، تراکتور است. (اطلاعات ۲۵ مهر ماه ۶۴)»

«یکی از اهالی روستای بزرگین گفت: ما تا حال چندین بار برای اجرای طرحهای عمران نسی با خودیاری اهالی به مسئولین سرا جبه کرده ایم. ولی آنها اصلا گوشان بدهکار این حرفها نیستند. هر وقت ما اعتراض می کنیم، که چرا اینقدر بی تفاوت هستید، به ما می گویند که شما فدا انقلاب هستید. (اطلاعات ۲۸ مهر ۶۴).»

۱۹ رهنمود به اعضاء و هواداران به مناسبت ۱۹ بهمن

- ۱- همه اپتکاران را برای جلب هر چه بیشتر پشتیبانی مالی سازمان بکار ببندیم.
- ۲- ازین راه میباید بخواهیم.
- ۳- تا تاریخ حزب کمونیستی اتحاد شوروی و جنبش جهان نسی کمونیستی را هر چه بیشتر فراگیریم.
- ۴- در راه وحدت پیشا هنگ طبقه کارگر بیکبارانه مبارزه کنیم.
- ۵- تا تاریخ سازمان و جنبش کمونیستی و کارگری ایران را فراگیریم.
- ۶- هر چه شقاوت در ارتقا ها خود نشینی را ارتقا شته سازمان، موزن ما کمیسر - لنینیسم و اصول انترناتسیونالیسم - پرولتری را به ما ویزیم و بکار بگیریم.
- ۷- برای ارتقا سهم و نقش زنان در حیات سازمان مبارزه کنیم.
- ۸- نشاط سازمان را بر ما نیا نرسانیم. سطح پولادین سازمان - برای گسترش دموکراسی حزبی، برای حقوقیت و روحیه جمعی بکوشیم.

چرا اعدا دشمنان... بقیه از صفحه ۱۶

و کشتار فداییان خلق ایران، فدا بیانی که از سالها پیش اسیر بوده اند، را با بی مشخصا در رابطه با تصمیماتی دیدند که رژیم اخیرا در مورد سازمان گرفته است. تصمیماتی که بیش از همه ناشی از هژوریزم و دوروش به دستگاه رهبری سوری سازمان و مسئولین تشکیلات آن و نیز ناشی از کمترین تعرض سازمان علیه رژیم و تقویت روزافزون موقعیت سیاسی و اجتماعی سازمان می آن است.

این رژیم با دست زدن به این جنایات بیسه اهدافی که در برابر خود قرار داده است، تا نائل خواهد شد؟ رژیم به سالها این اعدام ها، خوا به با کار گرفتن تمام امکانات خود برای ضربه زدن به تشکیلات به میدان آمده است. تا بلکه در میان فعالین فدایی و روحیه انفعال ناشی از رعب ایجیسا دکنند. رژیم دوست مثل زمان شاه می خواهد به انقلابیون با صلاح نشان دهد. قادر است هر کسی را که مبارزه کند، به دام اندازد و حتی پس از سخت ترین شکنجه ها به جوخه اعدام میسازد. اما امکانات واقعی رژیم در حال حاضر خیلی کمتر از رژیم شاه است. زیرا نه سازمان دیگران سازمانها سابق است و نه مردم همان مردم سابق اند. و تازه در آن زمان تجربه نشان داد که سیاست قلع و قمع انقلابیون نتایج مطلوب برای دشمنان نداشت. امکانات رژیم برای خاموش کردن مبارزه انقلابی نسبت به سالهای رگودار خنثا قبل از انقلاب فوق العاده کمتر و امکانات نیروی انقلابی برای مقابله با موج سرکوب و اختناق و فرورزن ترسیدن این شعله فوق العاده بیشتر است. تجربه اثبات خواهد کرد که خون مودنیها، تجربیاتیها و تانها را و دیگر فدا بیانی که طمعه انتقام جویی دشمنان رژیم شدند، درست برخلاف آنچه که رژیم دستور می کشند در جهت تقویت اعتماد به سازمان، به رزمندگی آن و بویژه به توان پایداری و مقابله

آن با این هجوم خونین تا نیز خواهد کرد. ۱۵ سال بعد از سیاه گل بار زخم رفتاری ما را به جوخه اعدام می سپارند. ایما ن داشته باشیم که این خون ها بی که امروز بر زمین می ریزد، بسان همان خون قهرمانان سیاه گل، در طرازی که ملا بزرگتر، سیورن تا زلی، سرشار از رزم انقلابی را در میان فداییان خلق ایران سازمان خواهد داد.

پس از چهار بار رشتا مجروحین به رهبری سازمان در زمان شاه، اکنون برای پنجمین بار اعضای رهبری سازمان در رژیم مبنی کشتار می شوند. جزئی ها، قربانیها، مسزدها و پویانها، اشرفا و ارفغانیها و نیز رفقای مجرب بیکار رجویی را که امروز از ما رفته اند، بزرگترین سرما به جنبش انقلابی ما بوده اند. فقدان آنها بزرگترین ضایعه و بزرگترین ضربه بر بیکار ما بوده است. تنها موفقیت رژیم جمهوری اسلامی، و در عین حال کشیف ترین هدف ردیلاشه آن، محروم کردن جنبش کمونیستی و کارگری ایران از رزمندگان آگاه و بیکار رجویی است که بطور قطع و به ناگزیر سرنوشته انقلاب ایران را در قلمرو می زنند. این امریک حمت کلا واقعی و آگاهانه رژیم برای اعدام ماست.

با این حال اکنون، در آستانه پانزدهمین سالگرد سیاه گل، در آستانه زادروز فداییان خلق ایران وقتی افزایش آنها به تا شروا قسی وسالند، این ترشدهای دوزخی نفرین شدگان تاریخ می نگردیم هر چه استوارتر شویم که نسلی از فداییان خلق که امروز در زیر ستمکین ترین کوره آزمون تاریخ، در این شرایط سرکوب و اختناق سازمان و سرکوب سرپناه طبقه کارگر و توده های مردم زحمتکش ایران را استوار می سازند و آری ما و روز به ما، بیژن ها و حمیده ها، رفیقا و منصوره های بیشتر و با زهم بیشتر را از سینه بیرون خواهد داد. آری ما بسیا ریم.

زنان مبارز! علیه تحمیلات ارتجاعی رژیم اعتراض کنید

از میان گزارشها

افزایش بیسابقه اخراج

اخراج کارگران توسط مسئولین رژیم جمهوری اسلامی بیش از پیش ادامه دارد، اگر در گذشته عمدتاً کارگران و کارمندان مبارزان انقلابی به بیانه های مختلف توسط مسئولان رژیم و سرما به داران تحسنت حمایت آنها، از کارخانه ها اخراج می شدند اکنون بدلیل بحران اقتصادی فزاینده ای که رژیم بر سر آن دست بگریبان است، توده های وسیع کارگران از کار برکنار می شوند.

این وضع بیش از گذشته ناراضی و اعتراض کارگران آرزویم ضلکا رگری خمینی را برانگیخته است.

نمونه های زیرگویی اخراجی های روزافزون کارگران و کارمندان زحمتکش میهنمان و اعتراض آنان به سیاستهای فداکارگری رژیم جمهوری اسلامی است:

چندی پیش حکم اخراج ۱۵ نفر از کارگران زن کارخانه چرم سازی خسروی تبریز بوسیله مسئولین کارخانه صادر گردید. کارگران زن اخراج شده که وضع اقتصادی بسیار بدی داشتند، دست به اعتراض زده و این تصمیم ضلکا رگری را محکوم نمودند. اخیراً مسئولین وزارت بازرگانی ۱۵ نفر از کارمندان زن آن وزارتخانه را به بیانه که می بودجه اخراج کردند. اغلب اخراج شدگان کسسه دارای سابقه کار طولانی دروزارت بازرگانی بودند، به اخراج غیرقانونی خود تصمیم مسئولان ضدمردمی وزارت بازرگانی شدیداً اعتراض نمودند.

اعتصاب کارگران کارخانه "ایران فایر"

چندی پیش کارگران کارخانه "ایران فایر" در اعتراض به اخراج ۵۰ تن از همکارانشان که بی بیانه کمی بودند، اقدام به اعتصاب کردند. اعتصاب بزرگ کارگران معترض این اقدام فداکارگری مدبران کارخانه را که با همکاری و مشورت وزارت کار انجام یافته است، محکوم کردند. اعتصاب کنندگان خواستار لغو فوری حکم اخراج همکارانشان و بازگرداندن آنها بر سر کار بودند.

بخشنامه اخراج کارمندان

از سوی مسئولان ضدمردمی جمهوری اسلامی، طی بخشنامه محرمانه ای به کلیه وزارتخانه ها دستور داده شده است که هر ساله به میزان ۵ درصد از کارکنان خود بکاهند. متعاقب صدور این بخشنامه مسئولین وزارت کثافت کاری آنرا به اجرا درآورده و تعدادی از کارکنان خود را اخراج کرده اند. مفاهمین بخشنامه دروزارت آموزش و پرورش نیز به اجرا گذاشته شده است.

اعتراض کارگران "رازک"

کارگران کارخانه داروسازی رازک (فایزر سابق) بخاطر عدم رسیدگی مسئولین کارخانه به درخواستهای برحق خود اعتراض کرده اند. کارگران این کارخانه خواهان افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار، پرداخت حق افزایش تولید و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل هستند. مدت ها است که مسئولین کارخانه از رسیدگی به خواسته های عادلانه کارگران شانه خالی می کنند و از دادن جواب به کارگران از طرف می روند. این عمل مسئولین اعتراضات شدید کارگران را برانگیخته است.

اعتصاب رانندگان مینی بوس در خرم آباد

چندی پیش رانندگان مینی بوسهای داخل شهری خرم آباد جهت اعتراض به نبودن سایل پدیک و نیسز بعنوان اعتراض به اخذ مبلغ گزافه بعنوان حق "شراکت" و مجوز کار از طرف شهرداری خرم آباد دست به اعتصاب زده و در مقابل شهرداری اجتماع نمودند.

در پی اعتصاب رانندگان مینی بوس، شهردار مرتجع خرم آباد دستور داد که راننده های بنیاد شهید و کمیته شهرداری، رانندگی مینی بوسها را برعهده گیرند. او با همکاری ارگانهای سرکوبگر رژیم، ضمن تهدید رانندگان اعتصابی، ۸ نفر از آنان را بعنوان اخلاک درستی و رواداری شهرداری محسوب نمود. در مقابل این اقدام سرکوبگرانه رانندگان اعتصابی نه تنها از خواسته های عادلانه خود دست بردار نشدند، بلکه مصمم و یکپارچه به اعتراض و اعتصاب خود ادامه دادند. مسئولان حکومتی که از اتحاد و ایستادگی رانندگان اعتصابی وحشت کرده بودند، زبونانه عقب نشینی کرده، خواسته های

آنها را پذیرفتند و همکاران زندانی آنها را آزاد کردند.

گسترش استعفاء در مجتمع مس سرچشمه

اخیراً پس از بررسی ها و آزمایشات متعدد معلوم شده است که به علت وجود براهی سمی آلوده در فضای مجتمع مس سرچشمه سلامتی کارگران و کارکنان آن در معرض خطر جدی است. مسئولین مجتمع در مقابل این خطر هیچ اقدام چاره جویانه ای به عمل نیاورده اند. این امر سبب تشدید موج استعفاء کارکنان و مهندسی شده و این مجتمع را به حال نیمه تعطیل در آورده است. خطر ناشی از آلودگی، سلامتی کارگران را که از بام تا شام در محیط کار حضور دارند، به شدت تهدید می کند. کارگران مجتمع که در نهایت تنگدستی و محرومی از حداقل امکانات رفاهی و بهداشتی و مجبورند در محیط آلوده و غیر بهداشتی کار کنند، نسبت به شرایط غیر بهداشتی و نبود اجناسی در محیط کار اعتراض کرده و خواهان بهبود شرایط یعنی بهداشتی محیط کار خود هستند.

مقاومت دهقانان "شال" قزوین

چندی پیش یکی از زمینداران سرشناس منطقه "شال" قزوین به اسم "حاج علیخان" با کمک مقامات محلی و با حمایت ماورین کمیته جهت پس گرفتن زمینهای مورد ادعای خود به روستای "شال" مراجعت نمود. دهقانان که از قصد "حاج علیخان" باخبر شده بودند، از ورود او به روستا مانع بعمل آوردند. ماوران سرکوبگر رژیم که وضع را چنین دیدند اقدام به تیراندازی نموده و با دهقانان معترض درگیر شدند. کمیته جی تا تعدادی از دهقانان را دستگیر و روانه زندان کردند.

بدنبال این تهاجمات و دستگیریها، عده ای از اهالی منطقه جهت شکایت به مقامات قضایی راهی تهران شدند. در روز ۲۴ مهر ماه نیز تعداد زیادی از روستاییان منطقه در اعتراض به دستگیری بیسابقه در مقابل دادستانی قزوین اجتماع نموده و ضمن محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه رژیم خواهان آزادی دهقانان زندانی شدند.

مقاومت پیروزمند دهقانان "سلیم بهرام"

در روستای "سلیم بهرام" مازندران مرتجع وجود دارند که از مدت ها پیش اهالی محل جهت اجرای دامهای خود از آن استفاده می نمودند. اخیراً رانداران مرتعی سیم خاردار به دور روستا مانع اجرای احكام روستاییان کردند. مردم روستا در اعتراض به این اقدام رانداران مرتعی سیم خاردار اقدام به تیراندازی خود را روانه مرتجع نمودند.

ماورین ژاندارمری جهت مقابله و متفرق نمودن روستاییان به آنها هجوم آوردند و لسی مقاومت یکپارچه روستاییان ماورین ژاندارمری را مجبور به عقب نشینی نمود. مردم روستا بلافاصله از زمین خود نما پندگانی انتخاب کرده و جهنم مذاکره به ژاندارمری فرستادند. اما ماورین ژاندارمری شما پندگان آنها را دستگیر کردند. این با رنجی مقاومت پیروزمند روستاییان ماوران ژاندارمری را مجبور کرد تا نما پندگان روستاییان را آزاد کند. بدین ترتیب رویشاییان استفاده از مرتع را تثبیت کردند.

مقاومت دهقانان "گریستان" خرم آباد

چندی پیش فرزندان مالکان سابق روستای "گریستان" واقع در حومه خرم آباد به همراه بیش از ۱۰۰ نفر از ماورین ژاندارمری و دیگر ماورین سرکوبگر رژیم، جهت باز پس گرفتن زمینهای زده دهقانان، اقدام به محاصره روستا نمودند. آنان با حمایت ماورین ژاندارمری قصد داشتند زمین دهقانان را با تراکتور شخم زده و کشت نمایند.

اهالی روستا با مشاهده این وضعیت بلافاصله بطوریکه رجا اقدام به مقاومت و مقاومت کردند. آنان جهت دفاع از زمینهای خود، مزدوران رژیم را سنگباران کرده و مالکان مهاجم و ماورین همراهِ آنها را وادار به فرار نمودند. چند روز بعد ماورین ژاندارمری ۹ نفر از دهقانان را دستگیر و روانه زندان خرم آباد کردند. ولوسی دهقانان از بیای نشسته، بلافاصله به همراه زنان و فرزندان خود جهت اعتراض به استناداری دادستانی خرم آباد دوسین به تهران مراجعه نمودند. سرانجام اعتراض و مبارزه دهقانان منجر به آزادی همه دستگیر شدگان گردید. دهقانان موفق بر سر زمینها و کشت و کار خویش بازگشتند.

زدی و اختلاس در ارگانهای رژیم

زدی و ارتشاء و سوءاستفاده در ادارات و ارگانهای رژیم خمینی بیداد می کند.

مسئولین و دست اندازگان رژیم حاکم در رقابت با همدیگر پرشتاب و بی بندوبار اموال و دارایی های مردم زحمتکش میهنمان را راتا راج می کشند، نمونه های زیر بخش کوچکی از زده ها و غیباشتهای رژیم حاکم و مسئولین آن را نشان می دهد:

تبریز: "آقا زاده" مسئول سپاه پاسداران تبریز، بخاطر داشتن حسابهای قرض الحسنه (پس انداز) در بانکهای متعدد، بطور همزمان برنده چندین گران کاز گردید. این مساله باعث کنجکاو و پیگیری قضیه توسط مردم تبریز شد. اعتراض مردم رژیم را به هراس انداخت و نمایندگان از تهران برای رسیدگی به تبریز اعزام گردیدند. و اختلاس مبلغ ده میلیون تومان در حسابهای گوناگون خود پس انداز نموده است. افشای این قضیه باعث خشم و نفرت مردم تبریز نسبت به رژیم حاکم و مسئولین ضدمردمی آن گردید.

خوزستان: یکی از اقلام سوءاستفاده های بیسی که اخیراً در ستاد بازاری ونوسازی مناطق جنگزده خوزستان بر ملا شده است، تا پدید آمدن ۱۲۰۰ شبن آن آلات است که به شدت نوسازی و بازاری مناطق جنگزده توسط مرکز تهیه و توزیع آن آلات زخارج کشور خریداری کرده بود. پس از افشای این مساله و پیگیری آن توسط بازرسان معلوم شد این آثارها که از تبریز به خوزستان به مقصد ستاد بازاری خوزستان حمل گردیده، هیچگاه به انبارهای این ستاد در اهواز و دیگر شهرهای جنگزده نرسیده و توسط مسئولان این ستاد به بازار سیاه روانه شده است.

گرفتن خون از بیماران

با اوج گیری شرف مردم از جنگ و رژیم جنگ افروز خمینی و بخاطر عدم استقبال مردم از هادی خون به جبهه ها، اخیراً از سوی سازمان انتقال خون ایران بخشنامه جتایکتارته ای با مضمون زیر به کلیه واحدهای درمانی دولتی و خصوصی ابلاغ شده است. در این بخشنامه اشاره شده است که چون سازمان انتقال خون تنها منبع تامین خون مورد نیاز آذربایجان شرقی و غربی و قرارگاه حمزه سیدالشهدا می باشد و بخاطر عدم استقبال از هادی خون توسط مردم، دستور داده شده است از این پس از "هر بیماری که در بیمارستانها بستری می شود" و "از ظرفیات بیمارستانها یک واحد خون گرفته شود. و در مورد بیمارستان اورژانس نیز سفارش شده است که پس از اخذ مجوز معتبر ممبئی بر" مراجعه ظرفیات بیمار جهت هادی خون "مبارک بستری شود.

این دستورات جتایکتارته عمل رژیم خونخوار خمینی که کارکنان بیمارستانها را مجبور به اجرای آن هستند - باعث خشم و نفرت و اعتراض شدید مردم و مراجعین و نزدیکان بیماران گردیده است.

تظا هرات مردم "فارسان" علیه رژیم

در پی درگیری زحمتکشان شهر فارس واقع در چهارمحال بختیاری با پاسداران مردم خشمگین با شعار "مرگ بر خمینی" و "مرگ بر پاسدار" به خیابانها ریختند و دست به تظا هرات زدند.

روز چهارم شهریورماه سال جاری مسئولین رژیم جمهوری اسلامی در شهر "فارسان" واقع در چهارمحال بختیاری دست به جنایات جدیدی زدند. در این روز شهردار فارسان به اتفاق ماورین شهرداری و پاسداران سرکوبگر رژیم جهت تخریب خانه های خارج از محدوده که مردم زحمتکش و محروم این شهر، با کمترین امکانات آنها را ساخته بودند، به این محل هجوم آورده و از ساکنین محل خواستند تا منازل خود را تخلیه نمایند. مردم زحمتکش محله در مقابل تهدید سرکوبگران مقاومت نموده و اجازه ندادند که ماورین منازل آنها را تخریب کنند. مردم متحد و یکپارچه در مقابل پاسداران ایستادند و مانع اقدام آنها شدند. پاسداران به دستور شهردار جتایکتارته فارسان به سوی مردم آتش گشودند و تعدادی را مجروح کردند. بدنبال این ماجرا مردم خشمگین به پاسداران هجوم آوردند، دامنه سر درگیری ها گسترش یافت و به تظا هرات سراسری در سطح شهر فارس منجر شد.

مردم فارسان بعنوان اعتراض به این جنایات و اقدامات و تشبیه رژیم فارسان به شعار "مرگ بر خمینی" و "مرگ بر پاسدار"، "مرگ بر جنگ" به خیابانها ریختند. تظا هرات خشمگینانه مردم فارسان علیه رژیم جتایکتارته پیشه خمینی تا چند روز ادامه داشت.

چرا اعدا دشمن کردند؟

رژیم ددمنش جمهوری اسلامی، سرشار از زکیست و نفرتی عمیقاً ضد انقلابی به تنبکاریهای تازه تری روی آورده است. رفیق محمدرضا غیرایی عضو مشاور هیات سیاسی، رفیق رضی الدین تابان عضو مشاور کمیته مرکزی و عده بازم بیشتر از کارکنان سربسته سازمان در ماههای اخیر به جوخه اعدا سپرده شده و با زیر شکنجه به شهادت رسیده اند. همه این رفقا از سالها پیش در زندان جمهوری اسلامی اسیر بوده اند. جرم همه آنها مبارزه بیخاطر آزمان و خواست طبقه کارگر و دیگر توده های رنجبر و وفاداری حسانی به سازمانشان بوده است. آنها سرافرازانه ایستادند و از اعتقاد خود به ما و کمیسر لنینیسم، آزایمان خود به پیروزی طبقه کارگر و حقا نیستند کمونیسیم قهرمانان دفاع کردند. مناره و استادگی آنان در راه خلق، بیگربا گمان و آماج کین حیوانی دژخیمان حاکم ساخت. اما گلوله های رژیم قتل از آنکه به سوی رفیقان شهید شلیک شده باشد، تمام سازمان را آماج کرده است. نگاه به جنبش انقلابی ایران و سیر هدم بالنده و آج رنجبر و نقش و تا شیری عملی و ملموس فدا بیان خلق در کار فعال سازمان نگران میان طبقه کارگر و دیگر توده های زحمتکش، نقش تشکیلات سازمان فداییان خلق همیشه با عفت نیروی فعال و متشکل در کشور، گسترش فعالیت تبلیغی و حضور فعال و موثر سازمان یافته هزاران فدایی خلق ایران حتی در دور دست ترین

تراز، خورشید
در جهان جهان، سرو امید شدید
خوانید و هر آنچه را که گفتید شدید
دیروز، ستاره یی بر آه شب ما
امروز، تراز یی ز خورشید شدید
رضا حسینی

توطئه "سمینار تهران" علیه معلمین و دانش آموزان

اخیرا روسای مناطق آموزش و پرورش کشور، کسانی که آموزش را جز تحمیل عقاید ارتجاعی رژیم کمپنیست دیگران نمی دانند، و با پرورش نسل جوان کمپنیست دشمن هستند، در تهران دوره جمیع جمع شدند و پس از تبادل نظر قطعی مهای صادر کردند که از نظر افشاگر آنان در رژیم پهلیدی است. قطعا ما سمینار و سرسری روسای مناطق آموزش و پرورش کشور سبند جنایت دیگران رژیم علیه نسل جوان کشور ما است. مطابق این قطعا ما سمینار تصمیم گرفته است:

- ۱- کلیه بودجه عمرانی سال تحصیلی ۶۵-۱۳۶۴ وزارت آموزش و پرورش (نظیر ساختمان مدارس، تعمیرات مدارس و موسسات آموزشی، تامین تجهیزات مورد نیاز مدارس، خرید وسایل و...) را لغو کند.
- ۲- اخذ کلیه زمینها را از مملکت قطع کرد.
- ۳- ۵ درصد حقوق کارکنان آموزش و پرورش کم شود.
- ۴- امسال نیز در مناطقی که با کمبود مدرسه و معلم روبروست، سیستم نوبت در مدارس برقرار شود.
- ۵- تخلیه مدارس مورد تا بید قرار گیرد. در عین حال به حکام جنایتکار و شرع توصیه شده است که میزبان تخلیه را به نفع مملکت باشد.

بقیه در صفحه ۱۴

متهم بودن مردم است. موارد متعددی اتفاق افتاده است که جلادان تمام افراد یک خانواده را دستگیر کرده و اقوام و نزدیکان کسانی که بنظر رژیم مشکوک هستند، گرگان گرفته اند. در سیما هجلاهای رژیم تنها شکنجه و شلاق در انتظار زندانیان است. شکنجه گران تابع هیچ قانونی، جز قانون سیاه پاسداری از منافع ارتجاع و ارتجاعی حیوانی خود نیستند. هر ما مسسوری میباید براحتی سرنوشت و زندگی زندانیان را به بازی بگیرد. بسیاری از مقامات حکومتی و نمایندگان مجلس ارتجاعی مستقیما در شکنجه زندانیان شرکت می کنند. شلاق زدن با کابل و آویزان کردن زندانی برای ساعتها یا قطع و بریدن اعضای بدن، سوزاندن با آجاق برقی، شوک الکتریکی، کرسنه نگاه داشتن، تجاوز به زنان زندانی در مقابل چشمان شوهر و اقوام، شکنجه کودکان در برابر مادران تنها گوشه هایی از واقعات تکان دهنده ای است که در زندانهای خمینی می گذرد.

جهان رژیم تنبکارت خمینی را محکوم میکند

در پی اعتراضات جهانی به کشتار نیروهای ترقیخواه و انقلابی و درگانندیشان توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، ما گذشته مجمع عمومی سازمان ملل متحد با صدور قطعا ماهی رژیم خمینی را بدلیل نقض شدید حقوق بشر در بدین حکومتی نظامی شیلی، السالوادور و کواتما لا در صدر تنبکارتترین رژیمهای جهان قرار داده و محکوم ساخت. ابعاد جنایات و قتل و کشتار و فرزندکشان انقلابی مردم ما به آن اندازه هولناک است و سفاکیهای رژیم بدان اندازه درجهان زبان سبزد شده، که برای نخستین بار با زتابان وحشیگریها به مجمع عمومی سازمان ملل کشیده شده است. گزارشی که توسط کمیسیون ویژه سازمان ملل در این رابط به مجمع عمومی داده شده، شامل موارد و نمونه های متعدد مربوط به بازداشتهای بدون محاکمه، شکنجه و اعدام و ممنوع ساختن زندانیان از ملاقات با وکلای مدافع و اقوامشان می باشد. در این گزارش فهرست نام ۲۰۰ نفر آگسه در سال ۱۳۶۴ در زندانهای رژیم بقتل رسیده اند، ذکر شده است. البته این گزارش علیرغم افشای همه جنایات رژیم توسط سازمانهای مبارز و انقلابی، بیگونی رژیم تنظیم شده که کمترین فشار بر رژیم خمینی وارد شود. این گزارش حتی از گزارش سازمان عفو بین الملل نیز بسیار محتاطانه تر است. این گزارش ضمن اینکه افکار عمومی جهان را با آرایش پیش به جنایاتی که در حق خلق صورت می گیرد، آشنای سازد و رژیم رسوا و خمینی را رسوا تر میکند، اما فرسنگها از واقعات فاجعه آمیز میهن ما دور است.

زندانیان از هیچ گونه حقوقی برخوردار نیستند حق دفاع از خود و انتخاب وکیل مدافع در شکنجه گاهای جمهوری اسلامی وجود ندارد. دادگاهها غلطیاد طرف چند دقیقه انجام اعدام وحشیانه طولی مدت صادر می کنند. ملاقات، بهداشت و درمان، غذا، ... در بدترین سطح ممکن است. رژیم از خائنین برای آزار و اذیت زندانیان استفاده می کند. رژیم خمینی برای پیشبرد اهداف پلید خود بخش اعظمی از بودجه خود را صرف نگهداری و خیر و سربوگر و امنیتی مینماید. انواع گشتهای ویژه در پی شکار انسانها در خیابانها، خانه ها، جاده ها پارکها و هر مکان تجمع مردم، زندگی را برهم می زنند. ما سیاه کرده اند. ایران به زندان بزرگی تبدیل شده است.

رژیم خمینی با دنبال ابراز خشم و تنفر جهان را نسبت به این همه جنایات و قتل و کشتار و ازبکو در مدد توجیه جنایات خویش برآمده و وشایدان و بهر حال همیشه قطعا به سازمان ملل را توطئه و تبلیغات استکبار جهانی نامید، و زوی دیگری تهدید و فشار بر اید ما جنایات دست زده است. نخست وزیر ارتجاع با وقاحت می گوید: " به این داوریها اهمیت نمی دهیم و می خواهیم اعلام کنیم که سیاست دولت ایران خواهد بود که با زمثل همیشه هر نوع تحریکی که بخواد جداگانه براندازی نظام داشته باشد سربوگ خواهد شد. " وی می گوید: " ما از کاری که می کنیم به آن افتخار می کنیم! "

اما علیرغم این قلدریها، رژیم ارتجاع زبرملا شدن جنایاتش خشمگین است و زبروز خشم و نفرت مردم می ترسد. " مستضعفین جهان که خمینی و دست آموزانش از روی آقایی و سروری و تشکیک امپراطوری خود را برپا نه های آنها در سر داده اند، هر دم با بانگ رسا تری این رژیم پلیدی و نفرت انگیز را محکوم می کنند. قریبا دا اعتراض در سر تا سر میهن ما و هر گوشه دنیا علیه این رژیم جنایتکار رزبان می کشد رژیم نفرت انگیز جمهوری اسلامی از ضلع های این خشمدرمان نخواهد ماند. با رگا علیه جماران با همه " افتخار " ش در این آتش خواهد سوخت.

تنها طی چند ماهه اخیر رژیم ضد بشری عده ای از رهبران و کارکنان برجسته سازمان ما از جمله رفقا غیرایی، رضی الدین تابان، جهانگیر بیجاچی، محمد امین شیرخانی، ابراهیم لطف اله زاده (سیاه) راهمراه با گروه کثیری از دیگر انقلابیون به جوخه های اعدام سپرده است. رژیم افراد را صرفا بدلیل داشتن عقیده مخالف با منابر عقیده خود می کشد. جلادان رژیم دور از چشم مردم گروه آزادیخواهان را بدین محاکمه تیرباران می کنند و حتی زنان حامله و کودکان را به شهادت میبرسانند.

در سیاه جلاها و شکنجه گاهها دهها هزار زندانی سیاسی در شرایط طاقت فرسا و هولناکی به سرنوشت سپرده اند. در رژیم خمینی کافی است که به تشخیص یک پاسدار، به گزارش یک جاسوس یا سبیه سابقه یکی از گشتی های رنگارنگ رژیم، انسانی " مشکوک " شناخته شود، تا دستگیر و تحت شکنجه های وحشیانه قرار گیرد. در جمهوری اسلامی اصل بر سر

آدرس: P1.10 1091 WIEN AUSTRIA
تریش

حساب بانکی: AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARTNER

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!